



## تحریم ها و استراتژی مذاکره با آمریکا



نوشته احمد قربانی

شناسنامه کتاب:

عنوان کتاب : تحریم ها و استراتژی مذاکره با آمریکا

ناشر : نشر الکترونیکی کتاب سبز <http://ketabesabz.com>

تاریخ انتشار : مهرماه ۱۳۹۲

نویسنده: احمد قربانی

آدرس ایمیل نویسنده: [ahma.ghorbani@gmail.com](mailto:ahma.ghorbani@gmail.com) , [Ghorbani1340@yahoo.com](mailto:Ghorbani1340@yahoo.com)

شماره تلفن نویسنده: ۰۹۱۲۲۱۶۲۴۴۹

### فهرست:

۴	چکیده
۶	قسمت اول : انواع و اقسام تحریم های اعمال شده بر علیه ایران
۶	تاریخچه تحریم ها و انواع آن
۶	تحریم های دور اول در سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۰
۷	تحریم های دور دوم ، سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸
۸	تحریم های کنونی از سال ۱۳۹۰ به بعد
۱۰	اقتصاد مقاومتی و خروج از انزوای اقتصادی
۱۰	بهبان وضع تحریم های آمریکا، اتحادیه اروپا و سازمان ملل
۱۲	دلایل اصلی تحریم ها بر علیه کشور
۱۵	قطعهنامه های شورای امنیت سازمان ملل متحد
۱۸	نرمش قهرمانانه
۲۰	روش مذاکره با ۵+۱ در مورد برنامه هسته ای
۲۱	قسمت دوم : موضع کشورهای مختلف در قبال تحریم ایران
۲۱	موضع کشورهای چین و هند در باره تحریم ایران
۲۲	ترکیه و تحریم ایران
۲۳	وضعیت کشورهای همسایه در رابطه با تحریم ایران
۲۳	موضع عربستان در قبال تحریم ایران
۲۵	قطر و تحریم کشور ایران
۲۶	اسرائیل و تحریم ایران
۲۹	آمریکا و تحریم ایران
۳۲	قسمت سوم : اهداف و استراتژی مذاکره
۳۳	اقدامات عمومی در قبال همه کشورها
۳۵	اقدامات خاص برای رابطه با کشورهای اسلامی
۳۹	استراتژی مذاکره با آمریکا
۴۵	سایر اقدامات در کنار مذاکره
۴۷	جمع بندی و پیشنهادات

## تحریم ها و استراتژی مذاکره با آمریکا

### چکیده

اکثر تصمیمات بشری با مذاکرات فی مابین حل و فصل می شود. انجام مذاکرات آنقدر اهمیت دارد که در حال حاضر روش مذاکره و انجام مذاکره بعنوان یک رشته دانشگاهی درآمده است. البته این به منزله حذف سایر ابزارها برای رسیدن به هدف نیست. بلکه وقتی از ابزار مذاکره برای حل و فصل مسائل استفاده می شود، راه حل های دیگر نیز مد نظر قرار دارند. تا کنون مذاکراتی موفق بوده است که مذاکره کنندگانی زبده و روشهای کارآمد دیگر برای رسیدن به اهداف انتخاب شده اند.

در حال حاضر یکی از مشکلات کشور تحریم هایی است که آمریکا و همپیمانان غربی آن به بهانه موضوعات هسته ای بر علیه کشور ما وضع کرده اند. راه حل های زیادی برای رفع این مشکل پیشنهاد شده است. ولی اگر مذاکره هم در کنار آن قرار گیرد، برداشتن تحریم ها آسانتر خواهد بود. مانع اساسی در مقابل مذاکره با کشور آمریکا، قطع رابطه ۳۴ ساله این کشور با ایران است. برای قطع رابطه دلایلی از دو طرف عنوان شده است. در این نوشتار سعی کرده ایم دلایل قطع رابطه تحلیل و راه حل هایی برای انجام مذاکره پیشنهاد شود.

کتاب به سه قسمت تقسیم شده. قسمت اول به انواع و اقسام تحریم های اعمال شده بر علیه ایران اختصاص دارد. تحریم ها سه گونه بوده اند. تحریم های اوائل انقلاب ۸۰-۱۳۵۷ که از نوع ایجاد محدودیت در درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت بود. این تحریم ها از سال ۱۳۸۰ تغییر کرد. از این سال به بعد سیاست تهدید نظامی ایران در دستور کار قرار گرفت. مسئولان، روزنامه ها و سایر رسانه های جمعی آمریکایی بر طبل حمله نظامی به کشورمان کوبیدند. این سیاست هم از سال ۱۳۹۰ عوض شد. از سال ۱۳۹۰ تحریم، بانک مرکزی، دارو و سایر مایحتاج اصلی ملت ایران مورد تحریم بی رحمانه کشورهای غربی قرار گرفته است. آمریکاییها هدف از تحریم ها را انزوای اقتصادی و براندازی حکومت های مردمی در ایران عنوان کردند. حوادثی که در دو سال اخیر اتفاق افتاد مشخص شد که آمریکاییها نمی توانند به اهداف از پیش تعیین شده خود دست یابند. حمله نظامی و دخالت نظامی و سیاسی آمریکا در همه کشورها با شکست روبرو شده است. آمریکا در افغانستان، سومالی، عراق و لیبی دخالت نظامی کرد. این دخالت ها هزینه بسیار بالایی بر اقتصاد آمریکا تحمیل و هیچ منفعتی برای آمریکاییها نداشته است. از طرفی دخالت نظامی در سایر کشورها باعث وخیم تر شدن وضع آن کشورها شده است. بطوریکه این کشورها از زمان حمله آمریکا به این طرف هیچ روز خوشی را سپری نکرده اند. اخیراً موضوع مذاکرات ایران و آمریکا از طرف آمریکاییها عنوان شده است. برای نتیجه بخش بودن مذاکرات، نرمش قهرمانانه

از طرف ایران عنوان شده است. هر چند تا کنون برای نرمش قهرمانانه مصداقی عنوان نشده است ولی در این کتاب سعی شده تا مصادیقی برای آن عنوان شود.

قبل از این در قالب مذاکرات ۵+۱ با کشور آمریکا مذاکره شده است. چون آمریکا، یکی از کشورهای طرف مذاکره بوده است. مذاکرات انجام شده بصورت محرمانه بوده است. با توجه به اینکه تا کنون از مذاکرات محرمانه نتیجه ملموسی حاصل نشده است. لذا این روش مذاکره هیچ سودی برای مردم ایران به همراه نداشته. پیشنهاد شده محورهای مذاکرات علنی باشد، بطوریکه اگر طرف مذاکره کننده درخواست غیر منطقی داشته باشد بتوان با رسانه ای شدن درخواست غیر منطقی با آن مقابله کرد.

در قسمت دوم موضع کشورهای مختلف در قبال تحریم کشور ایران مورد تحلیل قرار گرفته است. در این قسمت موضع کشورهای هند، چین، عربستان، قطر، ترکیه، اسرائیل و آمریکا مورد بررسی قرار گرفته است. در این قسمت مهمترین علت قطع رابطه با آمریکا، دخالت این کشور در براندازی حکومت دکتر مصدق و دخالت در کودتای نوژه بود. انگیزه دولت آمریکا برای کودتا بر علیه حکومت های انتخابی ایران تضاد منافی است که حکومت های انتخابی مردم ایران با سرمایه داران بین المللی از جمله سرمایه داران نفتی داشته و دارند. هر چند این تضاد منافع هم اکنون نیز از بین نرفته است، ولی بدلیل اینکه هم اکنون دولت آمریکا قادر به هیچ گونه کودتای منجر به براندازی، اقدامات نظامی و سیاسی نیست. در ضمن هدف دولت آمریکا از اعمال تحریم ها انزوای اقتصادی کشور است. لذا برای خروج از انزوای اقتصادی مذاکره می تواند در دستور کار قرار گیرد. در این قسمت مواضع عربستان و اسرائیل از تحریم ایران بررسی شده است. این دو کشور بدلیل مخالفت با ایجاد حکومت های دموکراسی در کشورهای منطقه، از تحریم ایران پشتیبانی می کنند. در این قسمت شگردهای آنان بررسی و راه حل هایی جهت خنثی سازی اعمال آنان پیشنهاد شده است.

در قسمت سوم، استراتژی های مذاکره برای کاهش و حذف تحریم ها مورد بررسی قرار گرفته است. در این قسمت کل کشورها به سه دسته تقسیم شده اند. اول همه کشورهایی که به نوعی با ایران در رابطه هستند. دسته دوم کشورهای اسلامی و در آخر استراتژی مذاکره با آمریکا مورد بررسی قرار گرفته است. در این کتاب هدف از این مذاکرات، نادیده گرفتن حقوق هسته ای ایران نیست. بلکه با ارائه راهکارهای مختلفی رسیدن ملت ایران به حقوق هسته ای خود و رفع تحریم ها پیشنهاد شده است.

در انتهای کتاب نتیجه گیری شده که همه مشکلات اقتصادی کشور ناشی از تحریم ها نیست. بلکه وقتی مشکلات داخلی کشور افزایش یافت کشورهای غربی سعی کردند، تحریم هایی بر علیه کشور وضع کنند تا مشکلات داخلی تشدید شود. لذا پیشنهاد شده، مشکلات داخلی با جدیدت بیشتری حل و فصل شود. اگر مشکلات داخلی حل شود با مذاکره ای که هیچ گونه امتیازی هم داده نشود، تحریم ها لغو می شود.

## قسمت اول : انواع و اقسام تحریم های اعمال شده بر علیه ایران

### تاریخچه تحریم ها و انواع آن

در این یادداشت ابتدا تاریخچه ای از تحریم های اقتصادی بر ضد کشور ایران ارائه می گردد. سپس به تحریم ها و اهداف و بهانه های کشورهای مقابل برای تحریم اشاره شده است. در انتها به مفهوم نرمش قهرمانانه و روش مذاکره با گروه ۵+۱ پرداخته شده است.

کشور ایران در طول ۳۴ سال گذشته همیشه مورد تحریم بوده است. ولی نوع تحریم های اعمال شده در این سالها تغییر یافته است. بنظر می رسد، تحریم ها از لحاظ نوع، به سه دوره تقسیم می شود. دوره اول از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۰ دوره دوم از سال ۱۳۸۰ تا سال ۱۳۹۰ و دوره سوم از سال ۱۳۹۰ به بعد است.

### تحریم های دور اول در سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۰

در ابتدای انقلاب اسلامی و سالهای جنگ تحمیلی، کشورهای آمریکا و هم پیمانان غربی آنها ساده ترین روش تحریم بر علیه کشور ایران را انتخاب کردند. در این روش، کاهش درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت، هدف قرار گرفت. برای نیل به این هدف، ابتدا کشور عربستان میزان استخراج نفت خود را افزایش و قیمت نفت را به کمتر از ۱۰ دلار رساند. از طرف دیگر با تحمیل جنگ، زیر ساخت های اقتصادی و نفتی مانند: پالایشگاه ها، لوله های انتقال نفت، چاه ها و سایر تأسیسات نفتی هدف حملات نظامی کشور متخاصم عراق قرار گرفت. مهمترین هدف از جنگ، حذف درآمدهای نفتی کشور بود. در طی سالهای جنگ دولتمردان آمریکا، هم پیمانان غربی و کشورهای عربی طرفدار آمریکا، بصورت همه جانبه از صدام حسین بر علیه ایران حمایت کردند. هر چند آنها سعی زیادی در حذف درآمدهای نفتی ایران کردند ولی با تدابیری که در آن زمان اتخاذ شد. هیچ گاه میزان درآمد های نفتی ایران به صفر نرسید.

از طرف دیگر قسمت اعظم نیروهای فعال کشور در گیر جنگ بود. این موضوع باعث شد تا امکان تغییر بنیان های تولید برای افزایش صادرات غیر نفتی و کسب درآمدهای ارزی حاصل از صادرات غیر نفتی، در آن زمان فراهم نشود. اداره کنندگان کشور سعی می کردند با درآمد کمی که بدست می آورند، ابتدا دارو و مایحتاج اولیه را فراهم کنند. سپس بقیه پول را به خرید تجهیزات جنگی و اگر مبلغی باقی می ماند به خرید سایر کالاها آن هم به مقدار محدود اختصاص می دادند.

در آن سالها لوازم خانگی در کشور بسیار کمیاب بود. ولی مشکل دارویی وجود نداشت. مواد غذایی هم بصورت کوپنی به همه می رسید. کارخانجاتی که وابستگی بیشتری به خارج داشتند تعطیل و کارخانجات دیگر هم بنا به درجه وابستگی ارزی آن کما بیش به فعالیت خود ادامه می دادند.

با پایان گرفتن جنگ تحمیلی، تا چند سال عربستان سعودی توانست قیمت نفت را در حداقل خود نگهدارد ولی از سال ۱۳۸۰ به بعد با بالا گرفتن تقاضای جهانی برای نفت و پایین آمدن توان استخراج نفت عربستان سعودی، به یک باره قیمت نفت افزایش یافت.

### تحریم های دور دوم، سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰

افزایش قیمت نفت از سال ۱۳۸۰ شروع شد. به تبع آن درآمد ارزی کشور نیز افزایش یافت. مسئولین کشور نیز با اجرای برنامه توسعه سوم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی، روند سازندگی در کشور را شتاب بخشیدند. با توسعه بخش های مختلف اقتصادی علاوه بر درآمدهای حاصل از فروش نفت، درآمدهای ارزی حاصل از فروش محصولات غیر نفتی نیز افزایش یافت. بطوریکه در این سالها، سیاست تحریم درآمد ارزی، کارآمدی خود را از دست داد. غربی ها بخصوص کشور آمریکا از این سال به بعد در سیاست تحریمی خود تجدید نظر کردند. در سال ۱۳۸۲ کشور افغانستان به اشغال آمریکا درآمد. متعاقب آن کشور عراق نیز توسط نیروهای چند ملیتی اشغال شد. در این زمان رئیس جمهوری آمریکا با محور شرارت خواندن ایران، تهدید صادرات و واردات کشور از طریق نظامی، در دستور کار خود قرار داد.

تهدید مداوم به حمله نظامی، تهدید به تخریب زیر ساخت های اقتصادی مطالب روز مره مسئولین، روزنامه ها و سایر رسانه های جمعی آمریکایی بود. در این دوره آقای خاتمی در سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴ و دولت آقای احمدی نژاد سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ مسئولیت کشور را بعهده داشتند. تجزیه و تحلیل، موفقیت و یا شکست، سیاست های داخلی این دو دولت، به مقالات دیگری واگذار و تنها به نوع تحریم هایی که از طرف کشور آمریکا به ایران تحمیل شده می پردازیم. هر دو دولت با سایه جنگ و تهدید بر اقتصاد کشور روبرو بودند. حاکمان آمریکایی کشور ایران را محور شرارت قلمداد کرده بودند. در این فضا توان مسئولین کشور بجای رفع مشکلات اقتصادی، بیشتر معطوف به رفع و یا کاهش تهدید های جنگ بود. در این مورد هر دو دولت با مشکل یکسانی روبرو بودند. ولی نحوه برخورد دولت آقای خاتمی بیشتر بر رفع تنش و دولت آقای احمدی نژاد بر پاسخ گویی متوازن به تهدیدها استوار بود. بطور کلی هر دو دولت با عدم ثبات اقتصادی ناشی از تهدید های خارجی روبرو بودند که این موضوع میزان سرمایه گذاری و توسعه اقتصادی پایدار را با مشکل مواجه می ساخت.

با عدم توفیق نظامی آمریکا در عراق و افغانستان از یکطرف و همبستگی و همدلی بی نظیر ملت ایران، آمادگی نیروهای نظامی و پشتیبانی ملت ایران از نیروی های نظامی کشور، موضوع حمله نظامی به تأسیسات اقتصادی ایران در سال ۱۳۹۰ کلاً از دستور کار کشور آمریکا خارج شد. به عبارت دیگر از این سال به بعد باید این حقیقت را بعنوان یک اصل سرلوحه سیاست و کارهای خود قرار دهیم، که کشور آمریکا در هیچ شرایطی قادر به حمله نظامی، عملیات نظامی محدود، اعمال فشار به افکار عمومی از طریق رسانه های خود و یا انجام هر اقدامی برای بی ثباتی در داخل کشور ایران، نیست. اگر آمریکائیها در جایی گفتند که تمامی گزینه ها در مورد ایران بر روی میز است. باید این را بدانیم که قطعاً سه گزینه فوق الذکر در دستور کار آنها قرار ندارد. چون دولت آمریکا قادر به انجام چنین کارهایی در مورد ایران نیست.

موفقیت مسئولین ایران در این زمان باعث شد تا طی این دوره، درآمد ارزی حاصل از فروش نفت کشور ایران از سالی ۱۰ میلیارد دلار به بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار افزایش یابد. درآمد ارزی ناشی از صادرات غیر نفتی هم به بالاتر از ۴۰ میلیارد ریال برسد.

از سال ۱۳۹۰ به بعد موضوع تأثیر گذاری تهدیدات خارجی بر ثبات اقتصاد داخلی، کاملاً از بین رفت و موضوع اثرات تهدیدات نظامی کشورهای خارجی بر اقتصاد ایران، به تاریخ سپرده شد.

### تحریم های کنونی از سال ۱۳۹۰ به بعد

تحریم های کنونی متفاوت است. هر چند این تحریم ها از سال ۲۰۰۶ (۱۳۸۵) با تصویب قطعنامه ۱۶۹۶ شورای امنیت شروع شده است، ولی تحریم بانک مرکزی و داروها از سال ۲۰۱۱ یا ۱۳۹۰ شروع شده است. در این روش آمریکائیها و کشور های غربی سعی دارند در درجه اول واردات و صادرات به ایران نداشته باشند و در درجه دوم سعی می کنند کشورها و شرکت های دیگری که با ایران مراودات تجاری دارند را با جریمه و مشکل روبرو کنند. مهمترین عامل تسهیل کننده صادرات و واردات که همان بانک مرکزی باشد، در فهرست تحریم قرار گرفته است. یعنی آنها با اجرای قوانینی سعی می کنند کشور ایران را در انزوای اقتصادی قرار دهند.

در این شرایط صادرات و واردات به کشور از طریق رسمی با مشکلاتی مواجه است، ولی صادرات و واردات از طریق غیر رسمی و با هزینه بالاتری هم چنان ادامه دارد. در این شرایط صادرات و واردات کشور علاوه بر هزینه بالا، زمان بر هم هست.

این روش تحریم توانست برای واحد های تولیدی که محصولات خود را صادر و یا قسمتی از مواد اولیه و قطعات خود را وارد می کردند، مشکلاتی بوجود آورد. ولی با گذشت زمان و تمهیدات مسئولین کشور، واحدهای تولیدی



سعی کردند، فعالیت های خود را با شرایط کنونی تنظیم کنند. آنها فعالیت خود را با روابط تجاری پایین تر خارجی تنظیم کرده اند و یا اینکه در آینده ای نزدیک این کار را می کنند. به عبارت دیگر واحدهای تولیدی به تحریم ها عادت می کنند. عادت کردن به تحریم، آثار تخریبی تحریم ها بر اقتصاد را کاهش می دهد، ولی تجویز این نسخه در بلند مدت اثرات منفی بر پویایی اقتصاد کشور بر جای می گذارد.

در نتیجه برای کاهش اثرات مخرب تحریم ها مناسب ترین سیاست اقتصادی در کوتاه مدت اجرای سیاست اقتصاد مقاومتی (سیاست حمایت از صنایع داخلی) و در بلند مدت خارج کردن کشور از انزوای اقتصادی است.

اثرات مخرب تحریم ها بر بخش های اقتصادی یکسان نیست. بیشترین اثرات منفی تحریم های تجاری، متوجه بخش تأمین دارو و درمان است. چون در شرایط تحریم، معاملات رسمی انجام نمی گیرد. تأمین دارو در معاملات غیر رسمی زمان بر است. حمل و نقل داروها باید تحت شرایط خاصی انجام گیرد. و در آخر داروها نمی تواند بیش از زمان خاصی که همان زمان انقضای دارو است، نگهداری شود. از طرفی هیچ کشوری به دلایل فنی و اقتصادی نمی تواند تمامی داروهای مورد نیاز را خود تولید کند. این عوامل باعث شده تا تحریم های اعمال شده از طرف آمریکا، اروپا و سازمان ملل، بیشتر جان انسانهای بیمار و مردم عادی (بیماران عادی، بیماران خاص و ...) را نشانه بگیرد.

از همه بدتر کنترل کیفیت داروهای وارداتی در شرایط تحریمی بسیار مشکل است. وقتی معاملات رسمی باشد. داروها مستقیماً از کارخانجات دارو سازی خریداری می گردد. ولی در معاملات غیر رسمی داروی تأمین شده مشخص نیست از کجا و با چه کیفیتی تولید شده است. تجویز داروهای بی کیفیت بیشترین صدمه را به بیماران وارد می کند. از این نظر تحریم های اعمال شده بر علیه کشور ایران، یک نوع جنایت انسانی به شمار می آید.

آخرین مشکلی که تحریم ها بر کشور ایران تحمیل می کند. تسلط قاچاقچیان و عناصر مافیایی بر اقتصاد کشور است. وقتی مبادلات اقتصادی کشور بصورت غیر رسمی انجام می گیرد. کسانی که در زمینه تجارت غیر رسمی فعالیت می کنند، سود های کلانی به جیب می زنند. این روش کسب درآمد، باعث می شود تا تولید کنندگان و فعالان اقتصادی، انگیزه کافی برای فعالیت های تولیدی نداشته باشند. در ضمن نقل و انتقال پول بصورت غیر قانونی موجب تنش های اقتصادی در کشور می شود. نشانه های این وضع، تغییرات عجیب و غریب قیمت دلار و طلا در بازار کشور است.

## اقتصاد مقاومتی و خروج از انزوای اقتصادی

گاهی این دو مفهوم در مقابل هم و متضاد نشان داده می شود. در اقتصاد مقاومتی حمایت از صنایع داخلی و کاهش واردات در دستور کار قرار می گیرد. به عبارت دیگر خودکفایی، داخلی شدن محصولات وارداتی در اولویت قرار می گیرند. ولی خروج از انزوای اقتصادی به معنی باز شدن درب های کشور به روی کالاهای خارجی تعبیر می شود. هرچند این دو مفهوم متضاد هستند ولی می توان با اجرای سیاست های گمرکی و سایر سیاست های تشویقی هر دو سیاست را بصورت تئام برای کشور به مورد اجرا گذاشت. می توان برای کارخانجاتی که قسمتی از مواد اولیه را از داخل و قسمتی را از خارج تأمین می کنند، سیاست حمایتی را اجرا کرد. تعرفه گمرکی و مشوق های اقتصادی بگونه ای تنظیم می شود، تا فعالیت های اقتصادی بتوانند، تولیدات خود را با کمترین وابستگی به خارج از کشور ادامه دهند.

ولی فضای کلی اقتصاد کشور نباید بر اساس اقتصاد مقاومتی تدوین شود. چون در حال حاضر جهان با سرعتی سرسام آور در حال پیشرفت است. هر روز اختراع جدیدی به ثبت می رسد. کشور ما یک ملت ۷۰ میلیونی در مقابل جهانی ۷ میلیاردی است. کشور ما حدود ۱٪ جمعیت جهان را دارا است. پیشرفت تکنولوژی می طلبد رابطه اقتصادی، فرهنگی و سیاسی کشور با تمامی کشورها تسهیل شود. اگر فضای کشور به سمت محدودیت واردات و صادرات پیش برود، در آینده ای نزدیک، مرزهای کشور بسته می شود. بسته شدن مرزهای کشور به منزله این است که ما نمی توانیم از تجربیات سایر کشورها استفاده کنیم. برای هیچ کشوری مقدور نیست که بیاید کلیه تجربیات بشری را یک بار دیگر تجربه کند. نمی شود که ما بیاییم برای یک بار دیگر آتش، چرخ و ... را اختراع کنیم. اینها اختراع شده است. ملت ما باید از این تجربیات استفاده کند و در ضمن تجربیات خود را نیز در اختیار جامعه بشری قرار دهد. برای این کار روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی باید تسهیل شود.

در نتیجه اجرای اقتصاد مقاومتی برای فعالیت های اقتصادی خاص در کوتاه مدت و بصورت موردی تجویز می شود ولی برای بلند مدت و فضای اقتصادی کشور خروج از انزوای اقتصادی پیشنهاد می شود.

## بهانه وضع تحریم های آمریکا، اتحادیه اروپا و سازمان ملل

هر چند مهمترین عامل تحریم کشور ایران مسئله هسته ای عنوان می شود. ولی اقدامات انجام شده نشان می دهد این مسئله بیشتر بهانه است تا مسئله اصلی. بطوریکه دولتمردان آمریکایی دلایل دیگری جهت اعمال تحریم ها، عنوان می کنند که در قسمت بعدی به آن اشاره می شود. دلایلی که بر بهانه بودن فعالیت های هسته ای برای تحریم عنوان می شود به شرح زیر است.

- ۱- بطور معمول پرونده هسته ای کشوری به سازمان ملل متحد ارجاع می شود که در فعالیت های هسته ای آن، انحرافی به سمت استفاده نظامی از آن مشاهده شده باشد. پرونده هسته ای ایران در سال ۲۰۰۶ از طرف آژانس انرژی هسته ای به سازمان ملل متحد ارسال شد. از سال ۲۰۰۶ تا سال ۲۰۱۳ آژانس انرژی هسته ای، نتوانست هیچ گونه انحرافی در برنامه هسته ای ایران گزارش کند. بدتر این که رئیس جمهور آمریکا در تاریخ ۵ اکتبر سال ۲۰۱۳ در مصاحبه با خبرنگار سی ان ان اعلام می کند: ایران تا ساخت سلاح هسته ای یک سال فاصله دارد. در همین تاریخ نخست وزیر اسرائیل هم اعلام می کند ایران تا ساخت سلاح هسته ای شش ماه دیگر فاصله دارد. سؤال این است اگر ایران در سال ۲۰۱۳ از لحاظ فنی قادر به ساخت سلاح هسته ای نبوده است به چه جرمی شورای امنیت سازمان ملل در سال ۲۰۰۶ بر علیه ایران قطعنامه تحریمی صادر کرده است. مبنای قانون تحریم های دولت آمریکا، دولت های اروپایی، و قطعنامه سازمان ملل چه بوده است؟
- ۲- فعال ترین گروهی که در اعمال تحریم بر علیه ایران نقش داشتند، رژیم صهیونیستی اسرائیل و انجمن ایپک است. انجمن ایپک یک گروه صهیونیستی است که بیشترین اعمال نفوذ را در کنگره و دولت آمریکا دارد. رژیم صهیونیستی بیشترین اظهار نگرانی را از تأسیسات هسته ای ایران می کند. اسرائیل در ۲۲ سال گذشته دائم اعلام می کند که ایران بمب هسته ای ساخته است و یا شش ماه دیگر می سازد. اعلام اینگونه نگرانی برای کشور کوچکی مانند اسرائیل بیشتر شبیه جک و لطیفه است. هیچ کشور کوچکی نگران اصابت بمب اتمی به کشور خود نیست. چون انفجار بمب اتمی در هر مکان باعث می شود شعاع بسیار بزرگی از شهرها تخریب و انسانهای بیشماری کشته، مصدوم و معلول شود.
- ۳- فرض کنیم یک حادثه اتمی در اسرائیل اتفاق بیافتد مثل حادثه در نیروگاه اتمی اسرائیل یا انفجار یکی از بمب های اسرائیل، در آن صورت نه تنها کل اسرائیل از بین می رود. بلکه کشورهای اطراف آن مثل لبنان، سوریه، اردن، مصر و عربستان هم صدمه می بینند. پس هیچ کشوری سعی نمی کند با اسرائیل جنگ اتمی داشته باشد.
- ۴- برای ساخت بمب اتمی، مقدار معینی از اورانیوم غنی شده لازم است که میزان آنرا اسرائیل یک بار بعنوان خط قرمز خود عنوان کرد. اسرائیل اعلام کرد ایران برای ساختن یک بمب اتمی دست کم به ۲۴۰ کیلوگرم اورانیوم غنی شده ۲۰ درصدی لازم دارد. در این سالها ایران هیچ وقت نتوانسته است آن مقدار تولید اورانیوم غنی شده، داشته باشد. در نتیجه رفتن پرونده هسته ای ایران به سازمان ملل کاملاً غیر قانونی انجام گرفته است. چون تا کنون ایران امکانات لازم برای تولید بمب اتمی را نداشته و ندارد چه رسد به اینکه بخواهد انحرافی داشته باشد.
- ۵- یک بار ایران فعالیت های صلح آمیز خود را به حالت تعلیق درآورد، ولی در همان زمان رئیس جمهور آمریکا ایران را محور شرارت نامید.

- ۶- قوانینی که آمریکایی ها در سازمان ملل متحد ، کنگره و سنا تصویب کرده اند. بگونه است که اگر ایران کل فعالیت های هسته ای خود را تعطیل کند و کارخانه اش را به خارج بفرستد. در آن صورت قوانین سازمان ملل ، قوانین کنگره و سنا در مورد ایران لغو نخواهد شد.
- ۷- پیشنهاد های مسخره در مذاکره با ایران، در آخرین مذاکرات ایران و ۱+۵ در آلمانی طرف غربی تقاضای تعلیق اروانیوم ۲۰ درصدی را کرده بود که ما به ازاء این تعلیق و تعطیلی کارخانه تولیدی در فردو، را اعطای یک محموله قطعات یدکی هواپیما و معاملات طلا عنوان کرده بودند. این موضوع نشان می دهد، آنها مسئله هسته ای را مستمسکی برای تحریم قرار داده اند. ولی برای برداشتن تحریم ها هیچ عجله ای ندارند.

با دلایل بر شمرده شده و دلایل دیگری که می تواند عنوان کرد، نتیجه این است که هر چند فعالیت های هسته ای ایران مستمسکی برای تحریم ها بشمار می رود ولی هر گونه تعلیق یا تعطیلی در فعالیت صلح آمیز هسته ای ایران کمکی به رفع تحریم نمی کند. لذا هر گونه کم کاری ، تعلیق یا تعطیلی در فعالیت های هسته ای برای رفع تحریم ها کاملاً غیر منطقی و غیر عقلایی است.

### دلایل اصلی تحریم ها بر علیه کشور

پیدا کردن دلایل اصلی زیاد سخت نیست. به راحتی می توان از سخنان مقامات آمریکائی آن را فهمید. این دلایل به شرح زیر است .

#### ۱- براندازی :

همیشه مقامات آمریکایی هدف از تحریم ها را فلج شدن اقتصاد ایران برای ایجاد شورش اجتماعی در داخل کشور عنوان کرده اند. تا از این طریق بتوانند، حکومت های انتخابی ملت ایران را از قدرت بر کنار کنند. به عبارت دیگر هدف از تحریم ها براندازی حکومت های انتخابی مردم ایران است. نشانه بارز آن، تشدید تحریم ها قبل از انجام انتخابات مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری بوده تا مردم کمتر در انتخابات شرکت کنند و این موضوع مستمسکی بدست دولت آمریکا بدهد تا آنها بتوانند، نظام دموکراسی و انتخابات را از ایران جمع کنند.

#### ۲- جلوگیری از پیشرفت علمی کشور:

برای اثبات این موضوع به دو واقعه تاریخی استناد می شود. واقعه اولی در زمان ناصر الدین شاه اتفاق افتاد. (حدود سالهای ۱۲۶۰ هجری یا ۱۸۸۱ میلادی) در آن زمان انگلیسی ها، احداث راه آهن سراسری شمال به جنوب و غرب به شرق را به ناصر الدین شاه پیشنهاد دادند. در مقابل این کار امتیازتی هم گرفتند. ولی آنها ابتدا امتیاز را گرفتند و چند سالی در کشور چرخیدند و به زعم خود مطالعه می کردند. قسمتی از امکانات راه آهن را نیز وارد کردند. ولی به یکباره گفتند اگر ایران راه آهن داشته باشد به هندوستان که آن موقع تحت استعمار انگلیس بود حمله می کند و آنرا به تصرف در می آورد. با همین بهانه پروژه کشیدن راه آهن متوقف شد. امکاناتی را هم که وارد کرده بودند، به تدریج از کشور خارج کردند.

واقعه دوم، در زمان رضا شاه اتفاق افتاد، حدود سال ۱۳۱۵ هجری یا ۱۹۳۶ میلادی ( انگلیسی ها رضا شاه را تشویق کردند که کارخانه ذوب آهن را در کرج احداث کند. ( محله ذوب آهن یا ذوب فولاد در حال حاضر در کرج هست) رضا خان هم زیر بنای آن را فراهم کرد و تجهیزات آن را نیز خریداری کرد. ولی انگلیسی ها در همان موقع اعلام کردند که اگر ایران کارخانه ذوب آهن داشته باشد، توپ جنگی تولید می کند و لندن را به توپ می بندد. لذا انگلیسی ها، کشتی حامل تجهیزات ذوب آهن خریداری شده توسط دولت ایران را بمباران و در دریا غرق کردند.

این دو واقعه زمانی اتفاق افتاد که اولاً آنها خودشان پیشنهاد ساخت این پروژه ها را داده بودند. در ضمن نوکران خودشان هم بر ایران حکومت می کردند. ولی با این حال آنها پیشرفت علمی ملت ایران را تحمل نکردند.

البته متوقف شدن این پروژه ها برای ایرانیها هزینه بالایی به همراه داشت. وقتی راه آهن کشیده نشد. قحطی سالها ۱۲۸۸ به بعد موجب شد تا ملت ایران نتواند، موادغذایی لازم را در ایران جابجا کند. این امر باعث شد تا عده ای زیادی از مردم بدلیل گرسنگی جان دادند. مرگ و میر حدود ۸ میلیون ایرانی در نتیجه قحطی و گرسنگی سالهای ۱۳۰۰ - ۱۲۸۸ یکی از تخمین ها خوش بینانه است. بعضی ها تعداد آنرا بیشتر ذکر می کنند.

عدم راه اندازی ذوب آهن در ایران باعث شد تا ایران نتواند آهن مورد نیاز خود را برای ساختن ساختمانهای محکم تأمین کند. لذا ساختمان به روش سنتی و با استحکام بسیار ضعیف ساخته شد، بطوریکه با وقوع زلزله های زیر ۵ ریشتری یک شهر بزرگ به قبرستان تبدیل می شود. خانه مردم که باید جای امنی برای آنها باشد به مدفن آنها تبدیل می شود. به عبارت دیگر مسبب اصلی زیر آوار ماندن ملت ایران در اثر زلزله های کوچک، دولت انگلیس است. که در آن سالها دستور غرق کردن کشتی تجهیزات ذوب آهن را دادند.

با مطالب گفته شده حالا به سر مقاله واشنگتن تایمز دقت کنید. این روزنامه به تبع اسلاف خود برای جلو گیری از پیشرفت عملی کشور، همان چرندیات پدر بزرگان خود را عنوان می کنند.

روزنامه واشنگتن تایمز در سرمقاله خود بعد از غنی سازی اروانیوم ۲۰ درصدی در سال ۲۰۱۱ یا همان ۱۳۹۰ چندتا عکس موشک روی صفحه اول گذاشت و نوشت: سواحل آمریکا به زودی در معرض موشک های ایران قرار می گیرد. ایران هم اکنون اورانیوم کافی برای ۳ بمب اتم دارد. این مطالب در موقعی مطرح شد که ایران از کشور آمریکا در خواست میله سوخت هسته ای برای تولید دارو را کرد. آمریکاییها با تحریم خود تولید دارو در ایران را هدف قرار داده بودند. همه می دانستند، اروانیوم ۲۰ درصدی در ایران فقط برای سوخت راکتور هسته ای تهران جهت تولید دارو استفاده می شود. برای تولید بمب اتمی ۲۴۰ کیلو گرم اروانیوم غنی سازی شده ۲۰ درصدی نیاز است. در صورتیکه برای تولید دارو جهت نیاز یکسال ایران یک کیلو گرم اروانیوم غنی سازی ۲۰ درصدی کفایت می کند.

روی همین موضوع، باید روی بهانه های امریکاییها و پیشنهادهای نا معقول آنها بیشتر دقت کرد. در ضمن اقدامات قبلی آنها باید در دادگاه های بین المللی عنوان شود تا آنها پاسخ گوی حرفهای چرند خود باشند. راستی چرا باید ملت ایران هزینه های گزافی بابت حرف های چرند انگلیس ها و آمریکا پرداخت کند؟

نتیجه گیری این قسمت در یک جمله خلاصه می شود. « **موضوع هسته ای ایران باید از روی میز مذاکرات جمع شود** » البته این جمله بدین معنی نیست که با کشورهای غربی و آمریکا مذاکره نشود. بلکه با دلایلی که بعداً اشاره می شود. مذاکره هسته ای فقط با گروه ۵+۱ و آژانس انجام گیرد. و هیچ کشوری حتی آمریکا در مورد مسائل هسته ای بحثی نشود. دلایل آن در قسمت های بعدی توضیح داده می شود.

مذاکرات و روابط با کشورهای غربی برای افزایش مراودات فرهنگی و سیاسی و اقتصادی انجام گیرد. در ضمن اگر مسائل هسته ای را آنها عنوان کردند به درخواست های غیر قانونی آنها اشاره شود، و سعی شود از آنها در دادگاهها و مجامع بین المللی شکایت شود. موضوع تأمین دارو باید در مجامع بین المللی مطرح شود. تحریم دارو بر علیه ایران یک جنایت بشری بشمار می رود. کشورهای حامی حقوق بشری باید پاسخ گوی جنایات خود باشند.

کشورها باید پاسخ گوی دروغ پردازی های خود باشند. چرا یک کشور به خود اجازه می دهد ۲۲ سال یک دروغ را تکرار کند. بدتر اینکه این دروغ را در رسانه های جمعی مختلفی در بلند گوی جهانی دائم فریاد می زند. اگر در مجامع عمومی بر علیه دروغ گویی آنها پرونده ای تشکیل شود. آنها از این کار خود دست بر می دارند

حتماً باید شکوائیه ای بر علیه آژانس انرژی اتمی تنظیم شود. این آژانس پرونده کشورهای دارنده بمب اتمی را به شورای امنیت نمی فرستد. حال چگونه کشوری که در ابتدای صنعت هسته ای است، پرونده اش به شورای امنیت می رود؟

## قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل متحد

قطعنامه متعددی بر علیه برنامه هسته ای کشور اجرا شده است. مهمترین قطعنامه تصویبی عبارتند از: قطعنامه ۱۶۹۶ و ۱۷۳۷ و ۱۷۴۷ و ۱۸۰۳ و ۱۸۳۵ و ۱۹۲۹ می باشد. این قطعنامه ها در این قسمت مورد تحلیل قرار می گیرد.

شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه ۱۶۹۶ خود، علیه برنامه هسته ای ایران را با ۱۴ رای موافق و یک رای مخالف (قطر) به تصویب رساند.

در یکی از بنده آمده است

- با نگرانی جدی اشاره می کند که گزارش ۲۷ فوریه ۲۰۰۶ مدیر کل آژانس بین المللی انرژی اتمی، فهرست تعدادی مسائل باقیمانده و نگرانی هایی را نسبت به برنامه هسته ای ایران از جمله موضوعاتی که می تواند یک بعد هسته ای نظامی داشته باشد، ارائه داد و نیز اشاره می کند که آژانس بین المللی انرژی اتمی قادر نیست در این خصوص که هیچ مواد یا فعالیت هسته ای اعلام نشده ای در ایران وجود ندارد، نتیجه گیری کند.

سؤال اصلی این است چطور برنامه هسته ای ایران می توانسته بعد نظامی داشته است. برای بعد نظامی یک کشور باید حداقل ۲۴۰ کیلوگرم اورانیوم غنی شده ۲۰ درصد داشته باشد. در آن موقع چنین چیزی در ایران وجود نداشته است. بطوریکه هم اکنون هم در کشور ایران این مقدار اورانیوم یافت نمی شود. این موضوع باید در دادگاههای بین المللی عنوان شود.

در بندهای اجرایی این قطعنامه آمده است:

۱ - از ایران می خواهد بدون تاخیر بیشتر گام های مورد درخواست شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی را که برای اعتماد سازی نسبت به ماهیت منحصرأ صلح آمیز برنامه هسته ای اش و حل پرسش های باقیمانده ضروری است را بردارد.

۲ - تقاضا می کند که در این چارچوب، ایران تمامی فعالیت های مربوط به غنی سازی و بازآوری از جمله تحقیق و توسعه را تعلیق کند تا مورد راستی آزمایی آژانس بین المللی انرژی اتمی قرار گیرد.

۳ - این اعتقاد را ابراز می کند که چنین تعلیقی که کامل باشد، پایبندی ایران به مطالبات مطرح شده از سوی شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی را راستی آزمایی می کند و به راه حلی دیپلماتیک و از طریق مذاکره منجر خواهد شد که تضمین می کند برنامه هسته ای ایران دارای اهداف منحصرأ صلح آمیز است، بر تمایل جامعه بین المللی برای کار کردن به شکلی مثبت در جهت چنین راه حلی تاکید می کند، مطابق با شروط فوق ایران را به تعامل دوباره با جامعه بین المللی و آژانس بین المللی انرژی اتمی، ترغیب و تاکید می کند که چنین تعاملی به نفع ایران خواهد بود.

۷ - تا تاریخ ۳۱ اوت (۹ شهریور) یک گزارش مدیر کل آژانس بین المللی انرژی اتمی را در درجه اول درباره اینکه آیا ایران تعلیق کامل و پایدار تمامی فعالیت های ذکر شده در این قطعنامه را اجرا کرده و نیز درباره روند پایبندی ایران به تمامی گام های مورد درخواست شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی و شروط فوق در این قطعنامه، به شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی و به موازات آن به شورای امنیت برای بررسی ارائه دهد.

۸ - قصدش را بیان می کند که در صورتی که ایران تا آن تاریخ به این قطعنامه پایبند نباشد، آنگاه معیارهایی مناسب تحت بند ۴۱ فصل هفت منشور سازمان ملل متحد را تصویب کند تا ایران را به پایبندی به این قطعنامه و مطالبات آژانس بین المللی انرژی اتمی ترغیب کند و تاکید می کند که در صورت لزوم اتخاذ چنین معیارهای بیشتری، به تصمیمات بعدی نیاز خواهد بود.

از این تصویب کنندگان باید شکایت شود. اول اینکه در کجای دنیا، برای راستی آزمایی، فعالیت ها را به حالت تعلیق در می آورند؟ هیچ آدم عاقلی کارخانه تولیدی دارو را برای راستی آزمایی تعطیل یا تعلیق نمی کند. در ضمن وقتی کلمه تعلیق آورده شده است. این تعلیق باید حداقل دو مؤلفه را به همراه داشته باشد. چون تعلیق به معنی تعطیلی موقت است. مؤلفه اول این است که تعلیق یا تعطیلی موقت باید زمان دار باشد. اگر زمان آن نامحدود و یا زیاد باشد، این دیگر تعلیق نیست، بلکه تعطیلی است. اگر منظور تعطیلی باشد. در اینصورت این قطعنامه دچار تناقض شده است. چون در ابتدای آن حق غنی سازی در چارچوب آن، پی، تی را به ایران داده است. پس اگر کلمه تعلیق را بکار می برند، باید زمان آن را مشخص کنند. یعنی تعلیق باید زمان دار باشد. مثلاً یک هفته یا دو هفته کمتر یا بیشتر. دومین مؤلفه چارچوب تعلیق است. چارچوب آن سانترفیوژهای در حال چرخش است یا اینکه مطالب کتاب دبیرستان را هم شامل می شود. اگر تعلیق بدون چارچوب باشد در آن صورت اشعار خواجه حافظ شیرازی هم مشمول غنی سازی اورانیوم می شود.

مورد بعدی شروط برداشتن تعلیق است. تعلیق برای چه کاری؟ در متن قطعنامه ۱۹۶۹ منظور آن را نوشته. عنوان کرده تعلیق برای راستی آزمایی است. کلمه راستی آزمایی یک هدف کمی و مشخص نیست. راستی



آزمایی باید تعریف شود. باید مشخص شود برای راستی آزمایی چه کارهای فنی قرار است انجام گیرد. و این کارها در چه مدت زمانی انجام می گیرد.

سؤال بعدی این است. فعالیت های غنی سازی به مدت دو سال تعلیق بوده است. نتیجه قبلی چه بوده است؟

موضوع غیر قانونی بودن این قطعنامه، لحاظ کردن پیشنهاد راه حل دیپلماتیک برای راستی آزمایی است. راستی آزمایی اتمی باید فنی باشد. کارشناسان فنی می روند جایی را بررسی می کنند و راستی آزمایی آنان می تواند مبنای تصمیم گیری باشد. ولی راه حل دیپلماتیک یعنی تصویب قطعنامه برای اهدافی دیگر. که آن اهداف الزاماً هسته ای نخواهد بود.

قطعنامه بعدی قطعنامه ۱۷۳۷ است که با رأی همگی اعضای شورای امنیت به تصویب رسیده است. متن کامل قطعنامه ۱۷۳۷ صادره شورای امنیت سازمان ملل به شرح ذیل می باشد:

با تأکید مجدد بر تعهدش نسبت به معاهده عدم اشاعه تسلیحات هسته‌ای و یادآوری حق کشورهای عضو برای توسعه، تحقیق، تولید و بکارگیری انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح آمیز و بدون تبعیض طبق مواد ۱ و ۲ معاهده؛

با تکرار مجدد نگرانی جدی خود درخصوص گزارش‌های متعدد مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و قطعنامه شورای حکام آژانس در خصوص برنامه هسته‌ای ایران که توسط مدیرکل آژانس به شورا گزارش شده، از جمله قطعنامه ۲۰۰۶/۱۴ GOV؛

با تکرار مجدد نگرانی جدی خود از این که مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در گزارش ۲۷ فوریه ۲۰۰۶ (GOV/۲۰۰۶/۱۵) تعدادی از موضوعات باقی مانده و نگرانی‌هایی را درمورد برنامه هسته‌ای ایران از جمله موضوعاتی که می‌توانسته ابعاد هسته‌ای نظامی داشته باشد فهرست نموده و این که آژانس نمی‌تواند نتیجه‌گیری کند که هیچگونه مواد یا فعالیت های هسته‌ای اظهار نشده در ایران وجود ندارد .

با تأکید بر اهمیت تلاش های سیاسی و دیپلماتیک برای یافتن راه حلی مذاکره شده که تضمین نماید برنامه هسته‌ای ایران منحصر برای مقاصد صلح آمیز است و با خاطرنشان ساختن اینکه چنین راه حلی به سود عدم اشاعه در نقاط دیگر خواهد بود و با استقبال از تعهد مستمر چین، فرانسه، آلمان، فدراسیون روسیه، انگلستان، آمریکا و نماینده عالی اتحادیه اروپا برای دستیابی به راه حلی بر اساس مذاکره؛

با عزم به اثربخشیدن به تصمیمات خود از طریق اتخاذ اقدامات مناسب به منظور ترغیب ایران به پایبندی به قطعنامه ۱۶۹۶ (۲۰۰۶) و درخواست‌های آژانس و همچنین به منظور محدود نمودن ایران در توسعه فناوری های

حساس در پشتیبانی از برنامه های هسته ای و موشکی اش تا زمانی که شورای امنیت تشخیص دهد که اهداف این قطعنامه برآورده شده است؛

با نگرانی نسبت به خطرات اشاعه ناشی از برنامه هسته ای ایران، در این چارچوب با قصورمستمر ایران در برآوردن درخواست های شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی و پایبندی به مفاد قطعنامه ۱۶۹۶ (۲۰۰۶) شورای امنیت و با توجه به مسئولیت اولیه شورا طبق منشور ملل متحد برای حفظ صلح و امنیت بین المللی؛

با اقدام ذیل ماده ۴۱ فصل هفتم منشور ملل متحد؛

۱- تأکید می کند ایران باید بدون تأخیر بیشتر، اقدامات مقرر شده در قطعنامه *GOV/2006/14* شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی را اتخاذ نماید، اقداماتی که برای ایجاد اعتماد نسبت به مقاصد صرفاً صلح آمیز برنامه هسته ای خود و برای حل و فصل مسایل باقیمانده ضروری هستند .

۲- در این چارچوب تصمیم می گیرد که ایران می بایست بدون تأخیر بیشتر، تمامی فعالیت های هسته ای حساس از نظر اشاعه زیر را تعلیق نماید :

الف) تمامی فعالیت های بازآوری و مرتبط با غنی سازی از جمله تحقیق و توسعه، به گونه ای که توسط آژانس بین المللی انرژی اتمی مورد راستی آزمایی قرار گیرد.

ب) کار کردن بر روی تمامی پروژه های مرتبط با آب سنگین، از جمله ساخت رآکتور تحقیقاتی که با آب سنگین کار می کند، به گونه ای که توسط آژانس مورد راستی آزمایی قرار گیرد .

باز در این قطعنامه مهمترین موضوع تعلیق است. که تحلیل آن در گذشته آورده شد. ولی به هر حال این یک قانون الزام آور برای ایران بوجود آورده است. که در قسمت های بعدی روش برخورد با آن بحث می شود. قطعنامه های بعدی شامل ۱۷۴۷ و ۱۸۰۳ و ۱۸۳۵ و ۱۹۲۹ تحریم های جدیدی را تحمیل کرده است. اگر بتوانیم راه حلی برای قطعنامه های ۱۶۹۶ و ۱۷۳۷ پیدا کرد. سایر قطعنامه ها پیرو آن حل و فصل می شود.

### نرمش قهرمانانه

کلمه نرمش قهرمانانه توسط مقام معظم رهبری بکار گرفته شده است. تا کنون در مورد مصادیق آن حداقل من چیزی نخوانده یا نشنیده ام. در نتیجه مصادیق زیر برای نرمش قهرمانانه پیشنهاد می گردد.

حال اگر بخواهیم شش قطعنامه سازمان ملل لغو شود. تنها راه چاره تصویب قطعنامه ای جدید در شورای امنیت است که بتواند از یک طرف راهکارهای اجرایی برای قطعنامه های قبلی ارائه کند و از طرف دیگر ایران بتواند به کلیه حقوق هسته ای در آن پی تی برسد.

در حال حاضر تنها راه حل دیپلماتیک می باشد. یعنی باید مذاکره شود. برای این منظور مناسب ترین طرف مذاکره گروه ۵+۱ است. اگر با این گروه به توافق برسیم می توانیم، قطعنامه جدیدی که حاوی حقوق هسته ای ایران باشد به تصویب رساند.

مناسب ترین پیشنهاد در مذاکرات ۵+۱ می تواند زمینه اجرایی قطعنامه ۱۶۹۶ و ۱۷۳۴ باشد. پذیرش این قطعنامه ها باید مشروط باشد. مهمترین شرط، رفع تناقض های حقوقی آن باشد. در ابتدای این قطعنامه ها به حقوق هسته ای ایران اشاره شده است. در نتیجه تنها موضوع باقی مانده تعلیق است. تعلیق به معنی تعطیلی موقت است. اگر تعلیق محدودیت نداشته باشد با تعطیلی تفاوتی ندارد. پس قطعنامه جدید باید حتما به زمان تعلیق اشاره کند. یعنی برای اجرای دو قطعنامه ۱۶۹۶ و ۱۷۳۴ باید گفته شود. این تعلیق برای چه مدتی است. مثلاً تعلیق برای یک هفته ، دو هفته بیشتر یا کمتر .

دومین موضوع محور مذاکرات چارچوب غنی سازی است. در تعلیق قبلی چارچوب تعلیق خیلی گسترده بود بطوریکه مباحث کتابهای دبیرستان را هم در بر می گرفت. باید معلوم شود. تعلیق یا تعطیلی موقت شامل چه جاهایی می شود. مکان ها مشخص شود. در قطعنامه ۱۷۳۴ تعلیق را شامل تحقیق و توسعه هم دانسته است. این مفهوم خیلی گسترده است. چون یکی از موضوعات تحقیق و توسعه فکر کردن می باشد. آیا باید فکر دانشمندان را هم تعطیل کرد؟ یا اینکه آزمایشگاه غنی سازی چند روزی تعلیق شود. تعلیق غنی سازی شامل آموزش و تحقیق در دانشگاهها هم می شود یا نه ؟ این مسائل باید در مذاکرات مشخص شود.

سومین موضوع محور مذاکرات راستی آزمایی برای کسب اعتماد سازی است. این جملات کیفی هستند. آژانس انرژی اتمی برای راستی آزمایی برای کسب اعتماد چه کارهایی می خواهد انجام دهد؟ این کارها باید مشخص و تعریف شده باشد. اگر سؤالی دارند ، پاسخ این سؤال خود را چگونه می خواهند پیدا کنند؟ این موارد باید مشخص و ملموس باشد. بطوریکه کارشناسان آژانس بعد از تحقیق و انجام آن کار مشخص، جواب سؤال خود را پیدا کنند. از کارهایی که نتیجه اش مشخص نیست پرهیز شود و آنرا آشکارا در رسانه ها به نقد بکشانید.

در ضمن باید مشخص شود چه کارهایی در زمان تعلیق انجام می گیرد و چه کارهایی می تواند بعد از تعلیق هم انجام گیرد؟

وقتی تمامی این ابعاد مشخص شد. یک تفاهم نامه با ۵+۱ امضا شود که این مطالب را در قطعنامه ای جدید به تصویب شورای امنیت برسانند تا اولاً قطعنامه های قبلی لغو شود در ثانی با انجام قطعنامه جدید که زمان بندی

شده است و مشخص است چه کارهایی می خواهند انجام گیرد ، کلیه قطعنامه های تحریمی خودبخود لغو و تحریم ها برداشته شود.

در نتیجه نرمش قهرمانانه این است که تعلیق فعالیت های هسته ای برای یک زمان مشخص و برای کارهای مشخصی و تحت قطعنامه ای جدید انجام گیرد. تا تمامی قطعنامه های شورای امنیت لغو و تحریم ها برداشته شود.

### روش مذاکره با ۵+۱ در مورد برنامه هسته ای

تا کنون روش مذاکره با گروه ۵+۱ بصورت محرمانه انجام گرفته است. آقای دکتر جلیلی حدود هفت سالی طرف مذاکره ایران بوده است. هنوز ایشان حرفی در مورد مطالب مذاکرات خود منتشر نکرده است. ایشان نه تنها در مورد متن مذاکرات مطلبی عنوان نمی کردند که به اطرافیان خود هم اجازه پخش مطالب را نمی داد. متن مذاکره در این هفت سال در پرده ای از ابهام است. این روش با توجه به اینکه طیف مختلفی از کشورها در مقابل قرار دارند نمی تواند کار آمد باشد. شش کشوری که در مقابل ایران قرار دارد هر کدام دارای علایق و سلیقه خاصی است. آنها هیچ گاه نمی توانند مطالب خود را بصورت محرمانه نگهدارند. در ضمن کلیه مطالب عنوان شده در مذاکرات بعد از چند روز بین گروه ایپک و سران اسرائیل پخش شده است. یعنی مطلبی که باید محرمانه باشد بدست دشمن هم رسیده است. با این وصف تنها نا محرمان، ملت ایران بوده اند.

روش محرمانه در مذاکرات باید کنار گذاشته شود. بلکه باید بصورت آشکار مواردی که در نرمش قهرمانانه عنوان شد، به بحث گذاشته شود. طرف مقابل ممکن است درخواست های غیر قانونی داشته باشد. مثلاً نخواهد مدت زمان تعلیق مشخص باشد. در اینصورت می توان این مطلب را به روزنامه ها کشاند. اگر تعلیق زمان نداشته باشد یعنی تعطیلی. تعطیلی هم با ابتدای متن قطعنامه که حقوق هسته ای ایران را به رسمیت شناخته در تضاد است. پس ایران مجبور نیست قطعنامه ای که تضاد حقوقی و منطقی دارد را بپذیرد.

یا می توان کارهای ملموسی که باید انجام گیرد را مشخص کرد. اگر آنها یک کار غیر منطقی را درخواست کردند. آنرا به روزنامه بکشانیم که چرا درخواست غیر منطقی دارند؟

این مذاکرات باید تا جایی ادامه یابد که درخواست های آنها منطقی و مدت دار باشد. در اینصورت، با آنها تفاهم نامه ای امضا می شود که آنها با تصویب و اجرای آن توسط ایران کلیه تحریم ها خودبخود برداشته شود.

هرگونه پنهان کاری با این گروه خسارت بزرگی برای ملت ایران خواهد بود. چون آنها می توانند مطالب غیر قانونی خود را قانونی و منطقی قلمداد کنند. نمونه آن گفته های وندی شرمن مذاکره کننده ارشد دولت آمریکا

در ۱ + ۵ است. او از فریب ایرانیان سخن گفته است. باید از او سؤال کرد که تا کنون ایرانیان چه اقدام فریبکارانه داشته اند. اگر اروانیوم را غنی کرده اند، برای ساخت دارو بوده است. کشور آمریکا در حال حاضر تحریم ها را چگونه ای اعمال کرده است که مهمترین مشکل کشور تأمین دارو است. اگر این مقداری دارویی که در ایران به کمک دانش هسته ای تولید می شود، در داخل کشور تولید نشود، آنگاه مسئول مرگ و میر و زجر بیماران ایرانی چه کسی خواهد بود؟ در حال حاضر کشور آمریکا نه حاضر است به ایران دارو بفروشد و نه حاضر است، تولید دارو در ایران را ببیند. کجای این موضوع فریبکاری است؟ وقتی مذاکره آشکار باشد و در خواست های غیر قانونی آنها توسط روزنامه ها نقد شود دیگر نمی توانند، درخواست های غیر قانونی و چرندیات خود را مطرح کنند.

## قسمت دوم : موضع کشورهای مختلف در قبال تحریم ایران

### موضع کشورهای چین و هند در باره تحریم ایران

هم اکنون کشورهای چین و هند، هر دو برنامه هسته ای گسترده ای دارند و هر دو بمب هسته ای دارند. نکته قابل توجه در مورد این کشورها این است که هر دوی آنها مانند ایران، در ابتدا برای برنامه هسته ای خود از طرف امریکا و کشورهای غربی و نفت خیز عربی تحریم شده اند. تحریم کشور چین در سالهای ۱۹۷۰ و کشور هند در سالهای ۱۹۹۰ انجام گرفت. یکی از موثرترین عاملی که باعث شد این کشورها بتوانند اثرات تحریمی غرب را در کشور خود خنثی کنند، کمک های ایران بود. این کشورها توسط ایران تحریم نشدند. لذا آنها توانستند نفت را به راحتی به کشور خود وارد کنند و توسعه اقتصادی خود را دنبال کنند.

با این حال در موقع رأی گیری برای تحریم ایران در سازمان ملل، کشور چین، از تحریم های سازمان ملل متحد بر علیه برنامه هسته ای ایران حمایت کرد. کشور چین نه تنها تحریم های سازمان ملل بر علیه ایران را وتو نکرد که حتی رأی ممتنع هم به آن نداد. کشور چین به همه قطعنامه ها رأی مثبت داده است. لذا کشور چین در وضع تحریم های غیر قانونی و غیر عقلایی غرب بر علیه ایران نقش داشته است. چینی ها از همان ابتدا می دانستند که فعالیت های هسته ای ایران صلح آمیز است و فاصله طولانی تا ساخت بمب اتم دارد، ولی با این حال هیچ گاه اعلام نکردند، قطعنامه سازمان ملل در مورد ایران غیر قانونی و زورگویانه است.

کشور هند، هرچند، عضو دائم شورای امنیت نیست ولی در زمانی که بصورت ادواری عضو شورای امنیت بود، نیز بر علیه ایران رأی داد.

تحریم بانک مرکزی که توسط کشورهای غربی وضع شد نیز مورد تأیید هند و چین قرار گرفته است. موضوعی که جای تعجب دارد، این است که این دو کشور بمب اتمی ساخته اند. هر دو کشور، تقریباً از تأسیسات صلح آمیز هسته ای ایران اطلاع دارند و می دانند تبلیغات غربی‌ها در مورد تأسیسات صلح آمیز هسته ای ایران، دروغ و کذب است ولی هیچ‌گاه آنرا تکذیب نکرده اند.

مخالفت دو کشور چین و هند بر علیه تحریم‌ها زمانی شروع شد که کنگره و سنای آمریکا، قوانین تحریم را بر علیه فروش نفت ایران وضع کرد. آنها وقتی مخالفت کردند که منافع خودشان بخطر افتاد. آنها به خوبی می‌دانستند که بجز ایران سایر کشورهای صادر کننده نفت دنباله رو تمام عیار آمریکا هستند. اگر این دو کشور ایران را تحریم کنند، اولاً خودشان را تحریم کرده اند و دوماً اگر روزی آمریکا بخواهد دومینوی تحریم را دوباره در مورد آنان اجرا کند آنگاه آن دو کشور نمی‌توانند تحریم‌ها را بشکنند.

هر چند روش برخورد این دو کشور با ایران در حال حاضر باعث شده تا تحریم‌های آمریکا و کشورهای غربی کم اثر شود، ولی عملکرد آنان در حال حاضر بگونه‌ای است که در مقابل کار خود هزینه بالایی برای معاملات نفتی و غیر نفتی خود طلب می‌کنند. این دو کشور با امتیاز در خرید ارزان قیمت نفت و گاز، فروش اجناس خود با قیمت بالا، و کار آفرینی و رشد اقتصادی در داخل کشور خود، سود زیادی از معامله خود با ایران می‌برند.

### ترکیه و تحریم ایران

کشور ترکیه از زمانی که دولت اسلام‌گرای کنونی بر سر کار آمد، سیاست تنش صفر با کشورهای همسایه را پیشه خود ساخت. تا سال ۱۳۹۰ این کشور نقش ترانزیت و واسطه واردات و صادرات کشور ایران را بعهده گرفته بود. بطوریکه سود های ناشی از واسطه‌گری ترکیه در این زمینه زیاد است. آنها توانستند در این زمینه سود های کلانی نصیب کشور خود کنند ولی زمانی که کشور آمریکا تحریم‌های خود را اعمال کرد. این کشور نیز به یکباره به متحدان آمریکا پیوست و به بهانه تشکیل کشور عثمانی بزرگ به حمایت از مخالفین کشور سوریه و ایران پرداخت. جنگ خود را با سوریه آغاز و روابط تجاری با ایران را کاهش داد.

با شکست مخالفین دولت سوریه در شهر القصیر و ضعف آمریکاییها در حمله به سوریه، دولت ترکیه خواستار افزایش روابط تجاری خود با ایران شده است. این کشور در حالت تحریم ایران سود بسیار بالایی از ترانزیت و واسطه‌گری نصیب خود کرد.

## وضعیت کشورهای همسایه در رابطه با تحریم ایران

کردستان عراق، عراق، ترکیه، دوبی، آذربایجان و سایر کشورهای همسایه بدلیل ترانزیت کالا به کشور بصورت غیر رسمی باعث رونق گرفتن تجارت و سود برای شهروندان این کشور شده است.

## موضع عربستان در قبال تحریم ایران

کشور عربستان با توهم یا تفکر تشکیل محور منطقه ای شیعی (ایران - عراق - سوریه - حزب الله) سعی در بحرانی کردن منطقه و افزایش سیطره و نفوذ خود بر کشورهای منطقه را دارد. بحران سوریه و بحران مصر گویای پدیدار شدن ابرقدرت منطقه جدیدی است. محور اصلی این ابر قدرت دولت سعودی همراه با سایر کشورهای عربی و اسرائیل است. در این اتحاد، اردن نقش واسطه و شیخ های نفتی خلیج فارس نقش حامی را دارند. اسرائیل در تبلیغات مهارت دارد و نفوذش در سیاست خارجی امریکا بی بدیل است و سعودیها ذخیره عظیمی از دلارهای نفتی در اختیار دارند. این دو باهم به سیاست جامعه بین المللی (یعنی امریکا و اروپا) به نزاعها در سوریه و مصر جهت می دهند. بدین سان، اسرائیل و عربستان که اختلاف تاریخی بایکدیگر دارند، اینک به این نتیجه رسیده اند که منافعشان ایجاب می کنند بایکدیگر متحد شوند. هر دو، ایران و نقش رهبری شیعه را رقیب اصلی خود در منطقه می دانند. هر دو مخالف جنبش مردمی در کشورهای عرب که «بهار عربی» نام گرفت، هستند. هر دو حامی کودتای نظامیان مصر برضد مرسى، رئیس جمهوری منتخب مصر که از حزب اخوان المسلمین است بودند. هر دو اصرار دارند که امریکا دست به هجوم نظامی به سوریه بزند و بشار اسد را برکنار کند.

کشور عربستان و اسرائیل عامل اصلی تحریم ها بر ضد ایران هستند. شاید اگر این دو کشور نبودند. تحریم های این چینی بر علیه ایران انجام نمی شد.

کشور عربستان سابقه طولانی در ضدیت با کشور ایران دارد. این کشور حامی اصلی صدام حسین در حمله به ایران بود. این روزها شایعه تقبل هزینه نظامی حمله آمریکا به ایران، توسط عربستان سعودی در فضای مجازی بسیار به چشم می خورد که دولت عربستان سعودی هیچ گاه این مطالب را تکذیب نکرده است.

عامل اصلی انفجارهای عراق، پاکستان و افغانستان را باید در عربستان سعودی جستجو کرد. تأمین کننده اصلی هزینه تروریست های سوریه نیز عربستان سعودی است. از طرفی عامل اصلی انفجار ۱۱ سپتامبر آمریکا هم تبعه عربستان سعودی بود.

هم اکنون دولت سعودی، نقش مخربی در جهان اسلام ایفا می کند. این کشور خود را پایگاه جهان اسلام معرفی می کند. از شهرهای مکه و مدینه استفاده های تخریبی بر علیه مسلمان می کند.

دولت سعودی با کمک علمای وهابی در شهرهای مکه و مدینه کتابهای ارشادی زیادی برای مسلمان چاپ و تکثیر می کنند. یک کتاب به نام «تفسیر سه جزء آخر قرآن کریم و احکام و عقاید» در مکه چاپ شده بود. محتوای این کتابها بگونه است که هر مسلمانی با خواندن آن به یک تروریست تمام عیار تبدیل می شود. در این کتاب، ابتدا در مورد شرک و مصادیق آن بحث کرده بود. با تمسک به آیات قرآن، مصادیق شرک و مشرکین را مشخص می کردند، سپس در همین کتابها نوشته بودند در صدر اسلام، خون و جان و مال و ناموس افرادی که این مصادیق شرک را با خود داشته اند توسط مسلمانان حلال شده است.

هم چنین در کتابهای خود با آیاتی از قرآن فضیلت جهاد و شهادت را برای مسلمانان بر می شمارند. محتوای کتابها بگونه ای بود که به هر خواننده ای، القا می کند، که یک فرد باید به اطراف خود نگاه کند تا موارد شرک و مشرکین را شناسایی کند و آنها سریعاً به اطلاع علما برساند و نحوه نابودی آنها از علما بپرسد و با جهاد و شهادت آنها از بین ببرد.

این کتاب، و سایر کتابهای ارشادی که توسط علمای وهابی نوشته می شود، بگونه ای افراد را تشویق می کند که اولاً هرچه در اطراف خود می بینند شرک تلقی کنند. سپس به علما مراجعه کنند و نحوه از بین بردن شرک را از آنها بپرسند و سپس با یک کمر بند یا جلیقه انفجاری هم خود و هم شرک و مشرک را از بین ببرد.

این روش کار هیچ سنخیتی با اسلام ندارد. چون در اسلام برای محو شرک، ابتدا امر به معروف و نهی از منکر قرار داده شده است. ولی آنها بحث و گفتگو که یکی از ارکان دین اسلام است را قبول ندارند. و به مردم می قبولانند که آنها در این زمینه هیچ مسئولیتی ندارند. بلکه فقط مسئولیت اطلاع رسانی به علما و بعد از آن اجرای دستور صادره از طرف علما را دارند.



همانطور که می دانیم این علمای وهابی کاری به دین ندارند. فتوای جهاد نکاح و فتوای عملیات انتحاری توسط این علما صادر شده است. در صورتیکه این دو فتوی در دین اسلام نه تنها سابقه ندارد که با مبانی دین مبین اسلام کاملاً مخالف است.

عمده ترین مخالفت دولت سعودی، با ایران از فهم دین مبین اسلام نشأت گرفته است. همانطور که از حوادث صدر اسلام بر می آید. دین مبین اسلام، تحت هیچ شرایطی حکومت دیکتاتوری ( غیر انتخابی ) را نمی پذیرد. پیامبر اکرم (ص) و خلفای راشدین با رأی مستقیم مردم ( بیعت ) حکومت را بدست گرفته اند. از طرفی مهمترین دلیل شهادت ابا عبدالله الحسین (ع) نیز موضوع عدم بیعت با یزید بود. در صدر اسلام یزید اولین حاکمی بود که با زور سرنیزه پدرش، و با روشی غیر انتخابی حکومت را بدست گرفته بود. اگر این قانون به مردم مسلمان گفته شود، در آن صورت، کسانی که با دیکتاتوری بر ملل مسلمان حکومت می کنند، دیر یا زود از اریکه قدرت ساقط خواهند شد.

لذا حکومت های دیکتاتوری مجبورند در درجه اول خودشان را دینی قلمداد کنند و در درجه دوم دینی را تبلیغ کنند که بتوانند به حاکمیت خود ادامه دهند. این اقدامات باعث شده تا آنان دینی را ترویج کنند، که بهترین پیروان آن کسانی هستند که دست به اعمال تروریستی بزنند.

### قطر و تحریم کشور ایران

قطریها با دیدن باجگیری روسیه در ارسال گاز به اروپا از اتحادیه ، بازی خطرناکی در منطقه راه انداخته اند. آنها به اروپاییان وعده دادند تا لوله انتقال گاز از عراق و ترکیه و سوریه که در نهایت به اروپا می رسد را تسهیل کنند. این کار باعث دهن کجی به روسها و بی اثر کردن کارت بازی روسها در باجگیری از اروپا شد. قطریها به طور مشترک ۱۷٪ گاز جهان را در حوزه پارس جنوبی با جمهوری اسلامی ایران مشترک هستند و میلیاردها دلار به شرکت شل دادند ( ۲۰۰۸ ) که تکنولوژی استحصال گاز به ایران داده نشود و تحریمها بهترین فرصت بود که شرکتهای آمریکایی و انگلیسی با ۲۲ لوله عظیم استخراج گاز (در برابر ۲ لوله استحصال گاز ایران)، عمده این ثروت مشترک را به جیب زنند ! این امر باعث می شود تا گازی که در حوزه مشترک است توسط آنها استخراج و به فروش برسد.

از طرفی، حکومت کشور قطر نیز پادشاهی و غیر انتخابی است. از آنجایی که دوران حکومت های غیر انتخابی در این قرن رو به افول است. لذا این کشور یکی از مهمترین حامیان سازمان القاعده و گروه های تروریستی است.

دولت این کشور هم به تبع سایر دولت های دیکتاتوری، سعی زیادی در تحریم کشور ایران دارد. چون با رشد و توسعه کشور ایران، و گسترش ایده حکومت انتخابی در اسلام، حکومت این کشورها دچار مشکل خواهد شد.

## اسرائیل و تحریم ایران

یکی از مهمترین کشورهایی که حامی تحریم ایران است کشور صهیونیستی اسرائیل است. این پشتیبانی دلایل مختلفی دارد. تعدادی از این دلایل توسط دولتمردان آن عنوان می شود. ولی قسمتی از آن هم عنوان نمی شود. آشکار ترین دلیل، دست داشتن صهیونیست ها در قسمت عمده بازرگانی رسمی و غیر رسمی جهانی است. تحریم ایران باعث رونق قاچاق کالا می شود که آنها با این تحریم، سود کلانی نصیب خود می کنند.

دومین دلیل افراد تندروی لابی صهیونیست در کشور آمریکا است. آنها با مظلوم نمایی سعی می کنند کمکهای سیاسی و اقتصادی از آمریکاجذب کنند.

سومین عامل، مطالبی است که دائم توسط دولتمردان این رژیم عنوان می شود. آنها مهمترین نگرانی اسرائیل را تولید بمب اتمی در ایران می دانند. دولت اسرائیل روی این موضوع خیلی مانور می کند و آنرا برای جامعه جهانی مشکل قلمداد می کند.

بر خلاف بیانات سران رژیم صهیونیستی، این مسائل نمی تواند نگرانی خاصی برای این دولت باشد. یک کشور کوچکی مانند اسرائیل که حداقل دو کشور از ایران فاصله دارد، نمی تواند از بمب اتمی در ایران نگران باشد. چون اولاً همیشه ایران اعلام کرده که قصد تولید بمب اتمی ندارد. پس این کشور کوچک نباید نگران باشد. دوماً کشورهایمانند هند، پاکستان و روسیه بمب اتمی دارد، چرا اسرائیل از بمب اتمی آنها نگران نیست؟ چرا سران اسرائیل از بمب هسته ای در این کشورها ابراز نگرانی نمی کنند؟

سوم اینکه یک کشور کوچکی مانند اسرائیل نمی تواند از برنامه هسته ای کشوری که هیچ مرز مشترکی با او ندارد، ابراز نگرانی کند.

مهمترین نگرانی کشور کوچکی مثل اسرائیل مانند نگرانی کشور کویت در زمان حکومت صدام حسین است. بیشترین نگرانی های کشورهای کوچک این است که نکند به یک باره توسط همسایگان خود اشغال شود. اسرائیل می داند که ارتش عراق در کمتر از نیم ساعت کشور کویت را اشغال کرد.

لذا مهمترین نگرانی کشورهای کوچک، روابط با همسایگان خود است. کشورهای کوچک برای رفع این نگرانی سعی می‌کنند همیشه روابط حسنه‌ای با همسایگان خود برقرار کنند. تا نکند روزی توسط این همسایگان اشغال شود.

با این اصل، مشاهده می‌شود دولت اسرائیل در این زمینه کاملاً برعکس عمل می‌کند. این دولت اصلاً روش مسالمت‌جویانه‌ای با همسایگان خود ندارد.

بطور معمول اگر روابط اسرائیل با همسایگان خود خوب باشد و با آنها مشکلی نداشته باشد. ترس از کشور ایران که هیچ‌مرز مشترکی با اسرائیل ندارد کاملاً بی‌معنی است.

حالا سؤال اصلی این است که چرا دولت اسرائیل سعی می‌کند روابط خوبی با همسایگان خود برقرار نکند بدتر از اینکه با دولت ایران که حداقل دو کشور فاصله دارد مخالف باشد و دائم اعلام دشمنی کند. و همیشه موضع مخالف داشته باشد؟

جواب این سؤال را می‌توان از برنامه دولت اسرائیل فهمید. دولت اسرائیل ابتدا توسط انگلستان ساخته شد و در حال حاضر توسط آمریکا به حیات خود ادامه می‌دهد. هدف از ساخت اسرائیل هر چه باشد، این هدف هنوز هم به عنوان یک اصل در نگرش سران دولت آمریکا وجود دارد. بطوریکه آقای جو بایدن معاون رئیس‌جمهور آمریکا در تاریخ اکتبر ۲۰۱۳ می‌گوید، اگر اسرائیل وجود نداشت، منافع آمریکا اقتضا می‌کرد که یک کشوری بعنوان اسرائیل در منطقه بسازد.

با این سخنان، نباید تفاوتی بین اهداف آمریکا و اسرائیل قائل شویم. به عبارت دیگر هدف آمریکا و اسرائیل یکی است. اگر موضوعی را اسرائیل به عنوان هدف اعلام می‌کند. این همان هدف آمریکا است و بلعکس. اسرائیل هدف از تأسیس دولتش را تصرف کلیه سرزمین‌های واقع بین رود نیل و رود فرات اعلام کرده است.

حال سؤال اصلی این است: آمریکاییها سرزمین‌های بین رود نیل تا رود فرات را برای چه می‌خواهند؟ جواب این سؤال روشن است. اگر کشورهای عربی، به حال خود رها شوند، از لحاظ هویت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، یک کشور واحد هستند. کشورهای عربستان، یمن، کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و دریای عمان، عراق، سوریه، اردن، مصر و لبنان بصورت هویتی یک کشور واحد را تشکیل می‌دهند. اگر این کشور واحد تشکیل شود، کشوری است که حدود ۶۰ درصد منابع نفتی و گازی جهان را در اختیار دارد. ولی این کشور یک نقطه ضعف دارد. نقطه ضعف آن پراکندگی جمعیت است. قسمت عمده جمعیت اعراب در قسمت بالای رود فرات در کشورهای عراق و سوریه، قسمتی در جنوب مانند یمن و قسمتی هم در شمال آفریقا و مصر ساکن هستند. ولی ناحیه نفت خیز آن، در شمال شرق عربستان سعودی واقع شده است. این منطقه تقریباً خالی از سکنه است.

هدف از تأسیس اسرائیل در درجه اول این است که مانع ایجاد یک کشور واحد در این منطقه شود. اسرائیل تا کنون توانسته است، این هدف را محقق سازد. ولی، اگر اسرائیل بتواند سرزمین های بین رود نیل تا فرات را در اختیار بگیرد، آنگاه خواهد توانست بین سرزمینهایی که جمعیت عمده اعراب سکونت دارند و مناطق نفت خیز آن، فاصله ایجاد کند. در اینصورت جمعیت اندکی که در سرزمینهای نفت خیز سکونت دارند از منطقه خارج و کل مناطق نفت خیز در اختیار اسرائیل و آمریکا قرار می گیرد. اگر دولت آمریکا بتواند بر این مناطق مسلط شود، آنگاه خواهد توانست از طریق اهرم فشار قیمت نفت، کلیه کشورهای صنعتی مصرف کننده نفت را تحت کنترل خود درآورد.

لازم به ذکر است در حال حاضر نیز کشورهای نفت خیز ( بجز ایران ) تقریباً تحت نفوذ کشور آمریکا قرار دارند. ولی این اعمال نفوذ با هزینه بالاتری نسبت به زمانی که اسرائیل بر آن حاکم باشد، انجام می گیرد. طرح خاورمیانه جدید در نظر آمریکائیهها که از سال ۲۰۰۰ میلادی آنرا پیگیری می کند، چیزی جز تسلط همه جانبه آمریکا و اسرائیل بر منابع نفتی نیست.

آمریکائیهها برای رسیدن به اهداف خود در حال حاضر پروژه، ایجاد درگیری و کشتار در سوریه، مصر، لیبی و یمن را به مورد اجرا گذاشته اند. پروژه ایجاد جو ترور و وحشت در کشور عراق نیز در همان راستا قرار دارد. این اقدامات هزینه ای برای کشور آمریکا به دنبال ندارد، در عوض منافع زیادی دارد، چون آمریکائیهها با این اقدام، سعی می کنند بافت جمعیتی اعراب را فرسوده کنند تا در آینده ای نزدیک بتواند به راحتی بر منطقه مسلط شوند.

در این میان تنها مانعی که باعث شده تا آمریکا و اسرائیل نتوانند بر منطقه مسلط شوند، کشور لبنان است. لبنان تنها منطقه ای است که ابتدا اسرائیل آنرا در سال ۱۹۸۲ تصرف کرد، ولی بعداً از آن خارج شد و در جنگ ۳۳ روزه از آن شکست سختی خورد. تنها حامی لبنان، جمهوری اسلامی ایران است. در نتیجه کشور اسرائیل برای اینکه بتواند به اشغالگری های خود ادامه دهد مجبور است، هر طور شده حامیان لبنان را تضعیف کند. در نتیجه دولت اسرائیل برای تضعیف ایران سعی در بزرگ نمایی مسئله هسته ای ایران دارد.

## آمریکا و تحریم ایران

حکومت آمریکا بر اساس ایده لیبرال سرمایه داری بنا نهاده شده است. در این کشور کلیه سرمایه داران کشور در قالب دو حزب سازمان دهی شده اند. این دو حزب قدرت را از طریق آراء کسب شده از مردم، بدست می‌گیرند. این دو حزب با توجه به آرائی که بدست آورده اند، نهادهای تصمیم گیر در کشور آمریکا مثل کنگره، سنا و ریاست جمهوری، را در اختیار خود می‌گیرند. هرچند مسئولین کشور آمریکا مبنای تصمیمات خارجی و داخلی را منافع ملی آمریکا عنوان می‌کنند، اما در نهادهای تصمیم گیری، منافع ملی آمریکا همان منافع سرمایه دارانی است که در قدرت نفوذ دارند. بر این اساس تصمیم گیری در آمریکا بیشتر با منافع گروه های سرمایه دار حاکم بر کشور گره خورده است. اگر اقدامی مخالف منافع گروهی از سرمایه داران باشد با آن مخالفت و اگر موافق آن باشد با آن موافقت می‌کنند.

با این وصف روابط شش دهه قبل ایران و آمریکا مورد تحلیل قرار می‌گیرد. اولین تصمیم گیری آمریکائیه در مورد کشور ایران به بعد از ملی شدن صنعت نفت بر می‌گردد. ملی شدن صنعت نفت در سال ۱۳۲۹ در کشور ایران، پیام روشنی برای سرمایه داران بین المللی داشت. پیام این بود که ایرانی ها می‌خواهند نفت خود را با قیمتی مناسب در بازار جهانی بفروش برسانند. این پیام با منافع سرمایه داران بین المللی که مقیم آمریکا بودند در تضاد بود. لذا آنها سعی کردند به هر نحو ممکن، نهضت ملی شدن صنعت نفت را از بین ببرند. متعاقب آن در سال ۱۳۳۲ با اجرای پروژه ای حساب شده، آمریکائیهها بصورت مستقیم بر علیه دولت انتخابی ایران کودتا کردند. دولت دکتر محمد مصدق را بر کنار و شاه دوباره بر کشور ایران حاکم شد. چند سالی منابع نفتی ایران بصورت ارزان قیمت بسمت کشورهای غربی در حرکت بود. در این زمان جنگ سرد بین بلوک سرمایه داری و بلوک سوسیالیسم در جریان بود. نرسیدن منافع ناشی از فروش نفت به دست مردم باعث شده بود که امکان کودتا یا انقلاب سوسیالیستی در ایران افزایش یابد. این امر به منزله خارج شدن ایران از تسلط بلوک سرمایه داری بود. خروج هر کشور از دایره سرمایه داری موجب می‌شد تا منافع سرمایه داران بین المللی کمتر شود. برای جلوگیری از هر گونه انقلاب یا کودتا در ایران، دولت ترومن در کشور آمریکا، ارتقا رفاه عمومی در کشور ایران و افزایش قیمت بین المللی نفت را در دستور کار قرار دادند. قیمت نفت، کمی گران شد. درآمدهای بدست آمده صرف برنامه های عمرانی در دهه ۱۳۴۰ شد. این اقدام باعث شد تا مردم ایران در پایان دهه ۱۳۳۰ و کل دهه ۱۳۴۰ اقدام خاصی بر علیه کودتا چیان انجام ندهند. ولی در ابتدای دهه ۱۳۵۰ دوباره قیمت نفت افزایش یافت. ولی این افزایش موجب کامل شدن پروژه های عمرانی شروع شده در دهه ۱۳۴۰ نشد. بلکه در این سالها پروژه های عمرانی به حال خود رها شد. کارخانجاتی که در کشور تأسیس شده بودند، بصورت وابسته به فعالیت خود ادامه می‌دادند. شاید وضعیت خودرو سازی در ایران گویای برخورد سرمایه داران غربی با کشور ایران باشد.

کارخانجات ساخت خودرو ایران در دهه ۱۳۴۰ تأسیس شدند. ابتدای تأسیس، این کارخانجات فقط مونتاژ کننده قطعات خارجی هستند. ولی با ادامه فعالیت این کارخانجات سعی می کنند، تولید قطعات را در دستور کار خود قرار دهند. بطور معمول این کارخانجات در مدت ده سال باید بتوانند تقریباً کل قطعات را در داخل کشور تولید کنند. ولی کارخانجات تولید خودرو و کارخانجات لوازم خانگی ایران تا سال ۱۳۵۷ همچنان مونتاژ کننده باقی ماندند.

علاوه بر این قسمت عمده درآمدهای ارزی کشور صرف خرید تجهیزات نظامی شد. هرچند این تجهیزات در جنگ تحمیلی مورد استفاده رزمندگان اسلام قرار گرفت ولی در ابتدا بگونه ای بود که این تجهیزات وارد کشور شده بود. ولی برای استفاده و نگهداری از این تجهیزات تعداد زیادی مستشار نظامی وارد کشور شده بودند که قسمت اعظم درآمدهای ارزی کشور بصورت پرداخت حقوق و مزایایی مستشاران دوباره به آمریکا بر می گشت. به عبارت دیگر درآمدهای ارزی کشور، نصیب شرکت های اسلحه سازی آمریکا می شد.

یکی از مهمترین اقدامات سرمایه دارن آمریکا در ایران تأسیس و راه اندازی تأسیسات هسته ای بود. آنها برای راه اندازی تأسیسات هسته ای مبالغ هنگفتی را دریافت ولی در راه اندازی این تأسیسات تعلل زیادی کردند. بطوریکه آنها هیچ گاه راه اندازی نکردند. حضور این تأسیسات هم به عاملی جهت تاراج منابع ارزی کشور تبدیل شده بودند.

فعالیت سرمایه داران بین المللی در سایر بخشهای ایران بگونه ای بود که منجر به واردات کالاهای مصرفی برای گروهی خاص، و برگشت این درآمدها به سرمایه داران بین المللی بود. این وضعیت باعث وقوع انقلاب شکوهمند اسلامی در ایران شد.

اگر به سخنرانی امام خمینی (ره) در بهشت زهرا توجه کنیم و آنها در یک جمله کوتاه خلاصه کنیم. می توان به این جمله ایشان رسید، ایشان فرمودند: «ما نمی خواهیم کسی نوکر باشد». این جمله درد دل مردمانی بود که علاوه بر تاراج دارایی و سرمایه هایشان از طرف کودتاچیان آمریکایی، به وسیله تحمیل قوانین کاپیتولاسیون تحقیر هم شده بودند. لذا این انقلاب دوباره منافع سرمایه داران آمریکایی را نشانه گرفت.

بعد از انقلاب اسلامی در ایران، دوباره آمریکائیها هدف براندازی نظام را سرلوحه کارهای خود قرار دادند. آنها برای براندازی کارهای زیادی انجام دادند ولی مهمترین آن، کودتای نافرجام نوژه بود. این کودتا که توسط آمریکائیها طراحی شده بود، در همان نطفه خفه شد. ولی این هشدار را برای ایرانی ها داشت که سرمایه داران آمریکائیها هیچ گاه نمی توانند حکومت مورد دلخواه مردم ایران را تحمل کنند. و هر وقت فرصتی بدست آورند براندازی حکومت های انتخابی در ایران را در دستور کار خود قرار می دهند. لذا در اقدامی خود جوش از طرف مردم، سفارت آمریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام اشغال و روابط رسمی ایران و آمریکا قطع شد. ایرانیان

بدلیل اینکه ایجاد رابطه با آمریکا را به منزله دخالت های آمریکا و تغییر رژیم در ایران می دانستند، تمایلی برای ایجاد ارتباط از خود نشان ندادند. از طرف مقابل، آمریکاییها هم هیچ گاه دولت های انتخاب شده از طرف مردم ایران را به رسمیت نشناخت. هر چند آمریکاییها برای اشغال افغانستان و عراق با دیپلمات های ایرانی تماسهایی برقرار کردند ولی با محور شرارت خواندن ایران، این تماس ها نیز، بطور کلی قطع شد.

در این سالها، چون سرمایه داران آمریکائی کل منافع خود در ایران را از دست رفته می دیدند، سعی در مخالفت صریح با ایران داشتند. البته آنها سعی می کردند با ابراز مخالفت با کشور ایران منافع خود را از طرق دیگری جبران کنند.

یکی از این روشها ایران هراسی برای فروش بیشتر اسلحه به کشورهای عربی است. آمریکایی ها و اروپاییها با هیولا نشان دادن ایران در منطقه، و تبلیغات منفی در مورد بمب هسته ای، تنها در دو معامله فروش اسلحه به عربستان و امارات متحده عربی بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار فروش در سالهای ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ داشته اند

دومین موضوعی که آمریکائیان سعی در تحریم ایران و نفت داشتند، بالا بردن قیمت نفت برای اقتصادی شدن تحقیقات و اجرایی شدن، تأمین انرژی از منابع غیرنفتی بود. البته این تنها عامل نبود. بلکه سرمایه داران آمریکایی با افزایش قیمت نفت، سعی می کنند، ذخایر و سرمایه های لازم را از کشورهای مصرف کننده عمده مانند چین و ژاپن و کره به کشورهای نفت خیز عربی سرازیر کنند. از طرف دیگر کشورهای عربی هم خریداران همیشگی اسلحه و سایر محصولات آمریکایی هستند. از این طریق سرمایه داران آمریکائی، با تحریم نفت ایران و افزایش قیمت آن سعی می کنند، منافع شرکت های اسلحه سازی و سایر کارخانجات آمریکایی را افزایش دهند.

علاوه بر منافع فوق، وضع تحریم ها، هزینه هایی را بر دولت آمریکا تحمیل کرده است. این هزینه ها عبارت است: از ایجاد ادارات متعدد برای رهگیری شرکت ها و کشورهایی که با ایران رابطه تجاری دارند. بعد از رهگیری شرکت ها و کشورهایی که با ایران رابطه تجاری دارند، باید تنبیه، جریمه و یا تحریم در مورد آنها اجرا شود. این اقدامات از طرفی هزینه هایی بر دولت آمریکا تحمیل می کند از طرف دیگر اینگونه برخورد با شرکت های سایر کشورها موجب می شود تا سایر کشورها سعی کنند روابط تجاری خود را با سرمایه داران آمریکائی کاهش دهند. در نتیجه تحریم ها علاوه بر هزینه هایی که به دولت آمریکا تحمیل می کند، هزینه هایی را هم برای شرکت های آمریکا به همراه آورده است.

در حال حاضر کشور آمریکا نمی تواند هزینه های دستگاه های دولتی خود را تأمین کند بطوریکه اختلافات بین رئیس جمهور آمریکا و کنگره موجب تعطیلی دستگاه های دولتی شده است. بطور قطع این کشور نمی تواند در آینده هزینه تحریم های غیر قانونی خود را بپردازد. در نتیجه مجبور است، به هر طریقی تغییراتی در تحریم ها بوجود آورد.

### قسمت سوم : اهداف و استراتژی مذاکره

مهمترین هدف مذاکره یافتن راه حلی برای کاهش و حذف تحریم ها است. برای رسیدن به این هدف یک نقشه راه لازم است. هدف اصلی رفع تحریم ها برای خروج ایران از نزوای اقتصادی است. البته می توان اهداف فرعی مانند اقتصاد مقاومتی را نیز به آن اضافه کرد. ولی هدف اصلی نباید فراموش شود. در نقشه راه هم باید بدانیم چه کارهایی می خواهیم انجام دهیم.

هدف اصلی : رفع تحریم ها برای خروج از انزوای اقتصادی

اهداف فرعی :

- ۱- حمایت از فعالیت های داخلی برای نیل به خودکفایی نسبی در اقتصاد کشور
- ۲- ایجاد فضای کسب و کار سالم و پاکسازی اقتصاد از سیطره قاچاقچیان و مافیای تجاری
- ۳- مهار تورم و ایجاد ثبات اقتصادی

نقشه راه رفع انزوای اقتصادی :

برای خروج از انزوای اقتصادی، افزایش سطح روابط فرهنگی ، اقتصادی و سیاسی با همه کشورها باید در دستور کار قرار گیرد. با مذاکرات و تفاهم بیشتر با کشورهای مختلف می توان، آنها را مجاب به افزایش سطح روابط تجاری نمود. مذاکره با هر کشوری برای افزایش سطح روابط تجاری می تواند، کشور را از انزوای تجاری خارج کند. نقشه راه پیشنهادی شامل سه قسمت می شود. قسمت اول اقداماتی عمومی است که می توان آن اقدامات را در همه کشورهای خارجی انجام داد. قسمت دوم اقداماتی است که خاص کشورهای اسلامی است و قسمت سوم اقداماتی است که خاص کشور آمریکا است.



## اقدامات عمومی در قبال همه کشورها

مهمترین مشکلی که کشور هم اکنون گرفتار آن است تأمین دارو بصورت رسمی و از منابع مطمئن است. هم اکنون تعداد زیادی دارو در کشور ساخته می شود. آن مقداری هم که تولید نمی شود، شاید چندان چشم گیر نباشد. اگر روابط فرهنگی و سیاسی را با همه کشورها ارتقاء بخشیم می توانیم قسمتی از داروها را از طریق کشورهای دوست و همسایه بصورت رسمی وارد کشور کنیم و مشکل خود را حل و فصل کنیم.

در نتیجه راه کلی این است که تعداد دیپلمات های خود را در نمایندگی های خارج از کشور افزایش دهیم. هدف این دیپلمات ها، مذاکره، ایجاد ارتباط بیشتر، تسهیل روابط تجاری و تسهیل روابط پولی بین ایران و کشوری باشد که دیپلمات ها در آن مستقر هستند. اقداماتی که دستگاه دیپلماسی باید مد نظر داشته باشد، عبارتند از:

### ۱- تسهیل روابط پولی کشور با سایر کشورها،

گزنده ترین تحریم ها بر علیه ایران، تحریم بانک مرکزی می باشد. بانک مرکزی نقش تسهیل روابط پولی برای تسهیل روابط تجاری و اقتصادی را بازی می کند. حال که بانک مرکزی تحریم شده است. می توان از طرق دیگری این تسهیلات را فراهم کرد. تسهیل روابط پولی بین الملل را می توان با تأسیس بانکهای مشترک، ایجاد تسهیلات برای احداث شعبه بانکهای خارجی در داخل کشور و احداث شعبه بانکهای داخلی در خارج از کشور نیز انجام داد. این اقدامات نیازمند مذاکره و تعامل با کشورهای طرف رابطه تجاری و فرهنگی است. قبل از انقلاب بانکهای مشترک مثل بانک ایران و هند و بانک ایران و ژاپن و چند بانک مشترک دیگر فعالیت داشتند که در ابتدای انقلاب منحل شدند. پیشنهاد می گردد این بانکها دوباره تشکیل و فعال شوند. در ضمن ایجاد شعبه، توسط بانک خارجی با مشکلات قانونی روبرو است که این قوانین باید اصلاح و دیپلمات ها در پی ایجاد آن باشند، تا روابط پولی با سایر کشورها تسهیل شود.

### ۲- تسهیل رابطه تجاری با سایر کشورها.

دیپلمات ها می توانند با فعالیت بیشتر در قسمت وابستگی بازرگانی سفارت خانه ها، تسهیلات بیشتری برای صادر کنندگان و وارد کنندگان کالا به ایران قائل شوند. در ضمن با مذاکره بیشتر سعی کنند، اجرای قوانین کشور آمریکا در مورد تحریم ایران را در سایر کشورها کمرنگ و بی اثر کنند.

۳- تسهیل در ارتباطات فرهنگی

منظور از تسهیل در ارتباطات فرهنگی، روابط رادیو و تلویزیون، افزایش رفت و آمدهای توریستی، سمینارهای بین المللی و منطقه ای و.. باشد. با این تسهیلات می توان اثر تبلیغات آمریکائیها و اسرائیل در مورد ایران را خنثی کرد. کارهایی که دیپلمات ها می توانند انجام دهند به شرح زیر است.

- دیپلمات ها می توانند با ارتباط با آژانس های مسافرتی و توریستی مقیم در سایر کشورها، سهولت بیشتری برای توریست ها و بازدید کنندگان از ایران قائل شوند. در ضمن می توانند با ایجاد ارتباط بین نهادهای فرهنگی داخل با سایر کشورها، ارتباطات فرهنگی را گسترش دهند.
- شرکت فعال در مجامع بین المللی و منطقه ای می تواند عمر تحریم ها را کوتاه و یا تحریم ها را بی اثر کند.
- ایجاد و شرکت فعال در سمینارها ، نمایشگاه ها و سایر اماکن فرهنگی زمینه ارتباط بیشتر با کشور را فراهم سازند.
- ایجاد تسهیلات برای اقامه دعاوی حقوقی در دادگاه ها و مجامع بین المللی بر علیه تحریم های غیر قانونی وضع شده توسط آمریکا و هم پیمانان او.
- اطلاع رسانی بیشتر در رسانه های گروهی کشورها پیرامون مقاصد صلح آمیز بودن برنامه هسته ای ایران
- ایجاد مذاکرات غیر رسمی ، مانند: تبادل اطلاعات از طریق رادیو ، تلویزیون ، تفسیر کارشناسان ، رفت و آمدها ، توسعه توریست بمنظور اطلاع رسانی بیشتر پیرامون، غیر قانونی و موهوم بودن تحریم ها.
- تبلیغات پیرامون اثر منفی تحریم ها بر تأمین دارو و درمان و مردم عادی،
- بازدید و شفاف سازی برنامه هسته ای برای گروه ها و کشورهای تأثیر گذار می تواند منجر به کاهش زمان تحریم ها شود.

۴- ایجاد سوال های گوناگون از غیر قانونی بودن تحریم ها در اذهان عمومی کشورها،

مثلاً می توان در کشور فرانسه این سؤال را مطرح کرد که وقتی رئیس جمهور آمریکا اعلام می کند، کشور ایران تا یکسال دیگر نخواهد توانست بمب اتمی بسازد. چرا شرکت های خودرو سازی فرانسوی باید بخاطر یک موضوع غیر قانونی و موهوم، تولیدات خود را متوقف و کارگران و کارمندانشان را اخراج کند. دلیل بیکاری فرانسویان چیست؟ چرا این شرکت ها باید ورشکست شوند؟ و یا در کشور چین می توان این سوال را مطرح کرد که اگر ایران تا کنون نمی توانسته بمب اتمی بسازد و قرار هم نیست هیچ گاه بمب اتمی بسازد چرا آمریکا ، شرکت های چینی را به جرم رابطه با ایران جریمه و تحریم می کند؟

## اقدامات خاص برای رابطه با کشورهای اسلامی

اقدامات دیپلماتیک و خارجی در رابطه با کشورهای اسلامی تفاوت خاصی با سایر کشورها ندارد. ولی اقدامات داخلی برای برخورد با اتباع خارجی مسلمان در داخل ایران باید متفاوت باشد. همانطور که می دانیم اکثریت مسلمانان سنی مذهب هستند. در میان سنی مذهب، شافعی مذهب در اکثریت هستند. عقاید شافعی مذهب با مذهب شیعه قرابت و نزدیکی بسیاری دارد. این گروه در عقاید خود علاوه بر خلفای راشدین، ائمه معصومین را نیز قبول دارند. ولی همانطور که قبلاً در مورد کشور عربستان سعودی نوشتیم، این کشور کتابهایی منتشر می کند که در آن مصادیق شرک را با توجه به آیات قرآن تعلیم می دهند. انتشار این کتابها، باعث شده تا مسلمانان نسبت به مصادیق شرک حساس باشند. علاوه بر این در بعضی از کتابها صریحاً با توجه به مصادیق آن شیعه را مشرک می دانند. در زیر مصادیقی که آنها شیعه را مشرک می دانند اشاره و راههای خنثی سازی آن پیشنهاد می گردد.

### ۱- زیارت قبور ائمه:

علمای وهابی در عربستان کلاً زیارت قبور را حرام می دانند. و کسی که به زیارت قبور می رود او را قبر پرست و مشرک می دانند. ولی علمای دیگر اهل سنت زیارت قبور را حرام نمی دانند ولی بعضی از حرکات بر سر قبر را شرک تلقی می کنند. حرکاتی مانند چسبیدن به ضریح و غفلت از خواندن نماز اول وقت در حرم مطهر ائمه معصومین.

حرف اصلی هم این است چرا وقتی اذان صبح، ظهر، عصر، مغرب و عشا خوانده می شود. عده ای ضریح را رها نمی کنند و به آن می چسبند و نسبت به خواندن نماز بی اعتنا هستند. چسبیدن به ضریح و نخواندن نماز را شرک تلقی می کنند. اهل سنت انتظار دارند در حرم ائمه مطهر(ع)، مانند مسجد النبی(ص) در شهر مدینه، نمازهای پنج گانه در پنج وقت خود خوانده شود. و زیارت ها هم در زمان اقامه نماز تعطیل باشد. لذا در این مورد پیشنهاد مشخص این است که در شهرهای مذهبی و در حرم ائمه(ع)، موضوع اقامه نمازهای پنج گانه بصورت جماعت در دستور کار قرار گیرد. در ضمن از شروع اذان تا پایان نماز، خادمان حرم مردم را از اطراف ضریح مطهر دور کنند و آنها را تشویق کنند تا در نماز جماعت اول وقت شرکت کنند.

البته تا کنون اقدامات عملی زیادی پیرامون آن انجام شده است. هم اکنون در حرم ثامن الحجج امام رضا(ع) نماز جماعت به خوبی انجام می گیرد. ولی نمازها در پنج موقع خوانده نمی شود. که پیشنهاد می شود حتماً اذان عصر و اذان عشا خوانده و نمازهای عصر و عشا هم در زمان خود بصورت جماعت در حرم مطهر اقامه گردد. دلیلش هم این است که زائرین هر ساعت عوض می شوند. زائرینی که ظهر نماز را به جماعت خوانده اند

رفته اند و عده دیگری در موقع نماز عصر وارد حرم شده اند. شاید این عده ای که در موقع نماز عصر وارد حرم شده اند بخواهند از صواب نماز جماعت عصر بهره مند بشوند. در اینصورت اگر نماز جماعت عصر هم برگزار شود. قطعاً از آن استقبال خواهد شد. اقامه نماز جماعت عشا هم می تواند به همین دلیل انجام شود.

اقامه نماز پنج گانه در حرم حضرت معصومه انجام می گیرد ولی خادمان حرم نسبت به دور کردن مردم از دور ضریح جدیت کمتری به خرج می دهند که در این باره باید، به آنها تذکر داده شود تا آنها نیز نسبت به اقامه نماز جماعت جدیت بیشتری داشته باشند.

ولی در مورد حرم ائمه در عراق مسئله کمی متفاوت است. بطوریکه اقامه نمازهای پنج گانه در حرم های مطهر آن امامان جدی گرفته نمی شود. این موضوع باعث شده تا وهابیان برای ثابت مشرک بودن شیعه به این مصادیق تمسک کنند.

## ۲- جدی گرفتن اقامه نمازهای پنج گانه در عزاداری ها

موضوع بعدی جدی گرفتن اقامه نماز های جماعت پنج در عزاداری های امام حسین (ع) است. هر ساله شیعیان در ماه محرم و ماه صفر در کربلا تجمع می کنند ولی اقامه نماز جماعت پنج گانه در سر موقع جدی گرفته نمی شود. که این موضوع هم مستمسکی برای وهابیون درست کرده که آنها شیعیان را مشرک تلقی کنند.

## ۳- نقد و بررسی افکار وهابیت

نقد و بررسی افکار وهابیت باید در دستور کار علمای اسلام قرار گیرد. وهابیون در شهرهای مکه و مدینه یک کتابی را به همه زبانها به نام «تفسیر سه جزء آخر قرآن کریم و احکام و عقاید»، منتشر می کنند. در این کتاب مبحث شرک با یک نو آوری به خوانندگان تفهیم می شود. در این کتاب ، دو نفر به نام عبدالله و عبدالنبی با هم در مورد شرک مباحثه می کنند. در مباحثه عبدالله با استدلال از آیات قرآن انواع شرک را مشخص می کند و در جای جای این مباحثه می گوید. در ابتدای اسلام جان و مال و ناموس مشرکین بر مسلمانان حلال شده است. مباحث پیرامون شرک همگی قابل قبول است. ولی در مورد این جمله که جان و مال و ناموس مشرکین در صدر اسلام بر مسلمانان حلال شده جای سؤال وجود دارد. سوال اول این است. در زمان پیامبر اکرم(ص) سران مشرکین و عمده جنگ های پیامبر اکرم با کسانی مثل ابوسفیان ، معاویه ، خالدبن ولید بوده، جان و مال و ناموس کدامیک از اینها برای مسلمانان حلال شده است؟ پیامبر اکرم بعد از فتح مکه کدام مشرک را اعدام

کرد و مال و جان و ناموسش را تصاحب کرد؟ جواب معلوم است. پیامبر اکرم در فتح مکه هیچ کس را اعدام نکرد. و جان و مال و کسی را هم بر مسلمانان حلال نکرد. پاسخ تکمیلی هم این است که: پیامبر اکرم (ص) در صدر اسلام مردم را به یکتا پرستی و اجتناب از شرک دعوت نمود. قرآن به پیامبر اکرم فرموده که بر شما بجز ابلاغ رسالت هیچ چیزی دیگری نیست. دعوت او به یکتا پرستی موجب اخراج پیامبر اکرم (ص) از مکه به مدینه شد. مسلمانان هم به تبع پیامبر اکرم (ص) اموال خودشان را در مکه رها کردند و به مدینه مهاجرت کردند. مهاجرین در وضعیت بسیار بدی، زندگی خود را در مدینه آغاز کردند. یک روز خبر رسید که با اموال مسلمانان که در مکه رها شده بود، ابوسفیان کاروانی راه انداخته و اموال را به شام برده است. آنها هم برای پس گرفتن اموالشان بر سر چاه بدر گرد آمدند. ولی ابوسفیان از بی راهه کاروان خود را به سلامت از مسلمانان دور کرد. وقتی مشرکین از این موضوع اطلاع یافتند، به جنگ مسلمانان آمدند. مسلمانان در این جنگ پیروز شدند، ولی نتوانستند اموال خود را پس بگیرند. در هیچ جای تاریخ ننوشته که ابوسفیان اموال مسلمانان را پس داده باشد. در جنگ بدر مسلمانان مال و اموالی بدست نیآوردند. تنها مالی که بدست مسلمانان افتاد، وسایل رزم مشرکینی بود که به جنگ آنان آمده بودند. عده ای از مشرکین اسیر شدند که مسلمانان در قبال اسیران فدیه گرفتند. فدیه هم به نوعی دریافت خسارت جنگ از شروع کنندگان آن بود. چون مسلمانان می خواستند اموال خود را از ابوسفیان پس بگیرند. ابوسفیان هم اموال آنها را پس نداد. پس کسانی که به جنگ مسلمانان در بدر آمده بودند، شروع کنندگان جنگ بودند که در صورت شکست می بایست خسارت وارده را جبران می کردند. جنگ احد و خندق هم در مدینه اتفاق افتاد. یعنی مسلمانان مدافع بودند. در این جنگ هم جان و مال و ناموس کسی توسط مسلمانان تصاحب نشد. در فتح مکه هم پیامبر اکرم (ص) جان و مال و ناموس کسی را تصاحب نکرد. نتیجه ای که می گیریم این است، خداوند جان و مال کسانی را که به جنگ مسلمانان نیامده حلال نکرده است. با این استدلال اگر کسی مشرک بود باید او را نصیحت و با او صحبت کرد. تا از شرک خود دست بردارد. فرض دیگر هم این است که اگر مسلمانی کار شرک آلود انجام داد. در اینصورت هم باید او را نصیحت کرد تا از شرک خود دست بردارد. نمی توان یک فرد را مشرک تلقی کرد و سپس به یک نفر دیگر، کمر بند انفجاری بدهیم تا هم خودش و هم مشرک را به قتل برساند.

سؤال بعدی که باید از وهابیون پرسید: اولین کسانی که به مسلمانان تهمت شرک زدند و آنها را در کوچه و خیابان کشتند و یا به قول شما جان و مال و ناموسشان را حلال کردند چه کسانی بودند؟ اگر به تاریخ صدر اسلام نظری بیاندازیم. متوجه می شویم، اولین کسانی که به یک مسلمان به درست یا به غلط تهمت شرک زده و آنها را کشته اند، گروه خوارج بوده است. قبل از آن، کسی به اتهام شرک کشته نشده است، مگر اینکه به جنگ مسلمانان آمده باشد. گروه خوارج هم از نامشان پیداست. از دین خارج شده اند.

#### ۴- بررسی منش و سیره پیامبر اکرم (ص)

رفتار و کردار پیامبر و صحابه گرامی باید مورد نقد و بررسی قرار گیرد. در صدر اسلام پیامبر اکرم (ص) با همه رفتاری خوش داشتند. در زمان حکومتش، کسی به زندان نرفته است، کسی کتک نخورده است، کسی را مورد شتمات و سرزنش قرار ندادند، هیچ کس را نکشت مگر اینکه طرف مقابل، آغاز کننده جنگ بوده. کسی را حد نزد. هر چند که قوانین حد (مجازات تعیین شده از طرف قاضی) از طرف خداوند به ایشان نازل شده بود. کسی را گرسنه رها نکرد. کسی تشنه نماند. کسی بدون مسکن از سرما و گرما جان نداد. آبروی کسی ریخته نشد. مالیات دریافتی از مردم که عمده آنها کشاورز و دامدار بودند. زکات بوده است. زکات مالیاتی است که دارای یک حد نصاب است. یعنی اگر کشاورز، یا دامدار از مقدار معینی کمتر محصول تولید کرده باشد. مالیات بر او تعلق نمی گیرد. به عبارت دیگر از قوت و غذای سال کشاورز و دامدار مالیات گرفته نشده است. در همین زمان در ایران و جاهای دیگر رسم بر این بوده است که کشاورز و یا دامدار، محصولی که تولید می کند، باید یک پنجمش را به صاحب زمین بدهد در همین زمان تمام زمین ها متعلق به پادشاه بوده است. یک پنجم محصول هم متعلق به کسی است که آب را تأمین می کند. اگر زمینی در کنار رودخانه ها کشت می شده، حق آب هم از کشاورز گرفته می شده. در اینصورت کشاورز حدود ۴۰ درصد درآمد خود را بابت مالیات پرداخت می کرده. ولی در اسلام تا یک حدنصاب (مثلاً ۳۰۰ کیلو گندم یا ۴۰ رأس گوسفند و...) هیچ مالیاتی پرداخت نمی شده و بعد از حد نصاب هم حدود ۱۰ درصد پرداخت می شده. یک مالیات دیگر هم به نام خمس وجود دارد. این مالیات بر جنگاوران، بازرگانان و ثروت های بلا استفاده وضع شده است. جنگاورانی که غنایمی از جنگ بدست می آورند یک پنجم را مالیات می دادند. بازرگانان هم یک پنجم سود خود را بعنوان مالیات پرداخت می کردند. اگر ثروتی بلا استفاده رها می شد نیز خمس بر آن تعلق می گرفت. وقتی مالیات کم گرفته شود، حاکمان اسلامی هم با مردم رفتاری خوش داشته باشند. با این اوصاف زندگی در شهر مدینه، یک رویایی دست نیافتنی برای سایرین بوده است. وقتی مردم بلاد دیگر وصف مدینه فاضله را شنیدند. دسته دسته مسلمان شدند.

ولی رفتار وهابیون چه بلایی به سر اسلام آورده است؟ حکومت طالبان در افغانستان، زاده افکار وهابیت می باشد، طالبان وقتی به حکومت افغانستان رسیدند. به هر کسی رسیدند. او را مشرک خواندند و کشتند. بطوریکه کارکنان سفارت ایران را نیز که کاری بجز پخش مواد غذایی و دارویی نداشتند کشتند. نا امنی بقدری گسترش یافته که هیچ افغانی جرأت خروج از روستای خود و رفتن به روستای مجاور را ندارد. الان افغانستان به اشغال آمریکایی ها درآمده است. یعنی عملکرد آنها معکوس عملکرد پیامبر اکرم (ص) و صحابی آن بزرگوار است.

## ۵- وقتی وهابیون اینگونه هستند وظیفه مردم و علمای اسلام چیست؟

با مطالبی که از افکار وهابیت در بالا ارائه کرده ام، اینطور نتیجه گیری می کنم. افکار وهابیت از افکار خوارج صدر اسلام نشأت گرفته است. این افکار اصلاً نه تنها ربطی به اسلام ندارد که با افکار پیامبر اکرم (ص) در تضاد کامل قرار دارد. وهابیون نه سنی هستند و نه شیعه. این افکار در جایی که اختلافات بین مسلمانان زیاد باشد گسترش می یابد. وقتی اختلافات زیاد شد، افکار خوارج و یا وهابی گری رشد می کند. در نتیجه پیشنهاد می شود، اختلافات شیعه و سنی کلاً کنار گذاشته شود. و در برخورد با اهل سنت، بیشتر بر مشترکات مذاهب تأکید شود تا افکار این گروه به حاشیه رود و در زمان آینده از بین برود.

## ۶- تبیین درست قیام امام حسین (ع)

تبیین درست قیام امام حسین (ع) و اقامه نماز های پنج گانه بصورت جماعت در ایام سوگواری آن حضرت باید در دستور کار قرار گیرد. امام حسین (ع) هدف از قیام خود را امر به معروف و نهی از منکر عنوان کردند. در ضمن به کسی که خود را به زور به مسلمانان تحمیل کرده بود، بیعت نکرد. این امر باعث شهادت ایشان شد. متعاقب شهادت ایشان، باقی مانده صحابه پیامبر اکرم (ص) نیز در قیام توأبیین و جنگ حره شهید شدند. با روشنگری های پیرامون قیام امام حسین (ع) نباید اجازه داد تا وهابیون موضوع قیام امام حسین (ع) را سب (فحش) به صحابه تلقی کنند. از طرفی به تبعیت از امام حسین، اقامه نمازهای پنج گانه بصورت جماعت در سوگواریها در دستور کار قرار گیرد. تا موضوع عدم اقامه نماز و درخواست شفاعت از غیر خدا مطرح نشود.

## استراتژی مذاکره با آمریکا

رابطه آمریکا و ایران ۳۴ سال است که قطع می باشد. علت قطع رابطه با آمریکا، دخالت سفارتخانه و دستگاه دیپلماسی آمریکا در کودتای سال ۱۳۳۲ که موجب براندازی حکومت انتخابی محمد مصدق شد و کودتای نافرجام نوژه در سال ۱۳۵۸ می باشد. ملت ایران خواستار حکومتی انتخابی است. از طرفی در این ۳۴ سال هیچ گاه هیئت حاکمه آمریکا انتخابات ریاست جمهوری و مجلس ایران را به رسمیت نشناخته اند. موضوع براندازی حکومت انتخابی ملت ایران بصورت نقل و نبات سخنان، دولت مردان آمریکا در این ۳۴ ساله بوده است. این موضوع حتی در اظهارات رسمی رئیس جمهوری فعلی آمریکا ( باراک اوباما ) نیز برای تصویب هر قانون تحریم تکرار شده است. این اظهارات بقدری زیاد است که نیازی به ادله و سند ندارد.

هدف براندازی توسط هیئت حاکمه آمریکا در این سالها بگونه ای بوده است که هیچ گاه بحث مذاکره و ارتباط نمی توانست بین دو دولت آمریکا و ایران عنوان شود. تهدیدها، تحریم های مکرر آمریکائیه و پافشاری ملت ایران بر داشتن یک حکومت انتخابی، زمزمه هر گونه ارتباط و مذاکره را در همان ابتدا ناکام می گذاشت.

اما به یکباره بعد از انتخابات سال ریاست جمهوری ایران در سال ۱۳۹۲ آمریکائیه رسماً درخواست مذاکره و ارتباط را مطرح کردند. برای اولین بار رئیس جمهور آمریکا در سخنرانی سازمان ملل عنوان کرد که آمریکائیه قصد براندازی در ایران را ندارند. هنوز از انگیزه آمریکائیه برای مذاکره مطلبی منتشر نشده است. ولی می توان با احتمالاتی این موضوع را تحلیل و تفسیر کرد.

**حالت اول:** فرض می کنیم: آمریکائیه انگیزه خاصی برای ارتباط ندارند، ولی مذاکره را رد هم نمی کنند. بقول خودشان ابتدا آقای روحانی به باراک اوباما تلفن زده و آنها هم استقبال کرده اند. یا بدتر، فرض می کنیم، قبل از آن، احمدی نژاد هم درخواست مذاکره کرده بود و آمریکائی ها نپذیرفته بودند. احمدی نژاد در سفر نیویورک سال ۱۳۹۱، در کنفرانس خبری خود در سازمان ملل، خبرنگاری از او در مورد مذاکره با آمریکا سؤال کرد، احمدی نژاد: در پاسخ گفت: برای مذاکره با آمریکا مشکلی ندارد. هر چند این سخن احمدی نژاد می تواند نوعی فرار از سوالات بعدی خبرنگاران باشد، ولی فرض می کنیم ایشان با این پاسخ، می خواسته باب مذاکره را باز کنند ولی در آن موقع آمریکائیه نمی خواستند مذاکره کنند، ولی حالا، مذاکره با ایران را پذیرفته اند. در اینصورت نقشه راه ایران برای مذاکره چه می تواند باشد؟

پاسخ این است: اگر آمریکائیه برای مذاکره، امتیازی نخواهند. در آن صورت برای مذاکره با آمریکا چند هدف را باید تعیین کرد و با آنها به چانه زنی پرداخت. این اهداف عبارتند از:

- ۱- گسترش مذاکرات رسمی و غیر رسمی برای رفع تحریم ها
- ۲- گسترش مذاکرات رسمی و غیر رسمی برای جلوگیری یا به تأخیر انداختن تحریم های جدید
- ۳- گسترش مذاکرات برای حل و فصل سایر مسائل و مشکلات فی مابین

مذاکره برای اهداف بالا کار بسیار معقولی است. قبلاً عده ای می گفتند: مذاکره ایران با آمریکا باعث می شود تا آزادی خواهان عالم از مبارزه نا امید شوند. این گزاره تا قبل از حوادث اخیر قابل اثبات و رد نبود. ولی بعد از وقوع حوادث اخیر که به آن اشاره خواهیم کرد، نفس مذاکره باعث شد تا بیشترین نگرانی و نا امیدی از مذاکره بین ایران و آمریکا متوجه دوستان و هم پیمانان آمریکا شود و کمتری اثری از یأس و نا امیدی در دوستان و هم پیمانان ایران مشاهده نشود. استراتژی های مذاکره رسمی و غیر رسمی با آمریکا به شرح زیر می باشد.



- ۱- منظور از مذاکره، مذاکرات رسمی و غیر رسمی است. مذاکره به معنی اعطای امتیازهای بی مورد به طرف مقابل نیست. منظور از مذاکره رسمی، مذاکرات دیپلمات ها و مسئولین کشور با همتایان خارجی خود است. هدف از این مذاکرات حل و فصل و مسائل فی مابین و شنیدن مطالب طرف مقابل است.
- ۲- مذاکره غیر رسمی هم ، انجام مصاحبه و روشننگری بیشتر در افکار عمومی و اقامه دعاوی در مجامع حقوقی بین الملل است. تا از این طریق اولاً دولتهای تحریم کننده در مقابل افکار عمومی کشورشان قرار گیرند. بطوریکه با فشار افکار عمومی خودشان مجبور به رفع تحریم ها غیر قانونی شوند. دوم اینکه سایر کشورها از پذیرش در خواست های غیر قانونی کشور آمریکا خود داری کنند.
- ۳- مصاحبه و روشننگری در مورد مواضع کشور ایران. یکی از موفق ترین اقدامات انجام شده وزیر محترم خارجه جناب آقای دکتر ظریف در کشور آمریکا این بود که در واکنش به سخنان نخست وزیر اسرائیل گفت: آنها برای ۲۲ سال دروغ تحویل مردم می دهند و عقل جهانی را به سخره گرفتند. این گونه مصاحبه ها می تواند، تحریم ها را هر چه سریعتر لغو کند.
- ۴- توسعه ارتباطات فرهنگی مانند، تبادل اطلاعات از طریق رادیو ، تلویزیون ، تفسیر کارشناسان ، رفت و آمدها ، توسعه توریست بمنظور اطلاع رسانی پیرامون غیر قانونی و موهوم بودن تحریم ها.
- ۵- استفاده از ابزار حقوق بشر. موضوعی که باید بر روی آن تبلیغات شود، اثر تحریم ها بر تأمین دارو درمان است. هرچند مسئولین کشور سعی می کنند، نیازهای داخلی به دارو و درمان را تأمین کنند. ولی تحریم ها باعث شده تا کنترل کیفیت و کمیت عرضه دارو با مشکل مواجه شود. ایجاد مشکل برای عرضه دارو در هر کشوری، جنایت علیه بشریت محسوب می شود که در حال حاضر دولتمردان آمریکایی این کار را دارند انجام می دهند.
- ۶- شفاف سازی. بازدید و شفاف سازی برنامه هسته ای برای گروه ها، و کشورهایی که می تواند بر رفع تحریم ها تأثیر گذار باشد. وقتی هدف از غنی سازی ۲۰ درصد اورانیوم ایران تولید دارو است. این را باید بین همه تبلیغ کرد، حتی اگر می شود بازدید برای گروه های صاحب نفوذ گذاشته شود. این کار می تواند منجر به کاهش زمان تحریم ها شود.
- ۷- مذاکره و احوالپرسی تلفنی جناب آقای روحانی و اوباما، اگر هیچ دستاوردی نداشته باشد. جمله زیر می تواند دست آورد بزرگی باشد. اوباما بعد از مذاکره با نتانیاهو عنوان کرد: کشور ایران تا یکسال دیگر نخواهد توانست بمب اتمی بسازد . اگر مذاکرات غیر رسمی با آمریکا وجود داشته باشد می توان این سؤال را مطرح کرد، وقتی ایران در سال ۲۰۱۳ تا یکسال دیگر نخواهد توانست بمب اتمی بسازد، به چه دلیلی پرونده هسته ای ایران در سال ۲۰۰۶ به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع شده است؟ روی این مسائل باید تبلیغات زیادی انجام گیرد. شاید دولت آمریکا نخواهد تحت تأثیر این مطالب قرار گیرد ولی این تبلیغات بر سایر کشورها مؤثر خواهد بود، بطوریکه آنها دیگر روابط خودشان را تحت تأثیر یاهو سرایی های دولت آمریکا قرار نمی دهند.

۸- می شود در کشور فرانسه این تبلیغات را گسترش داد: وقتی اوباما گفته ایران تا یکسال دیگر بمب اتمی نمی سازد، چرا شرکت های فرانسوی را چهار سال قبل تحت فشار قرار داده تا آنها با ایران قطع رابطه کنند؟ چرا شرکت های خودرو سازی در ایران و فرانسه باید بخاطر یک موضوع غیر قانونی و موهوم، تولیدات خود را متوقف و کارگران و کارمندانشان بیکار شوند؟ چرا شرکت های فرانسوی بخاطر یاوه سرایی های آمریکائی ها باید ورشکست شوند؟

**حالت دوم:** در این حالت آمریکائی ها تا حدودی نیازمند مذاکره هستند. اگر با ایران مذاکره کنند می توانند مشکلات خود را بهتر حل و فصل کنند. نیاز آمریکا به مذاکره با ایران را می توان از حوادث رخ داده تخمین زد. حوادث به صورت اجمالی عبارتند از :

۱- حوادث افغانستان و پاکستان. آمریکائیها برای حضور در کشور افغانستان نیازمند است تا کامیونهای تدارکاتشان از خاک پاکستان عبور کند. اولاً دولت پاکستان برای عبور این کامیونها مبلغی از آمریکا دریافت می کند. ثانیاً دولت پاکستان نمی تواند امنیت جاده ها را تأمین کند. بطوریکه در تیر ماه ۱۳۹۲ به یک باره سه کامیون متعلق به ناتو در پاکستان مفقود می شود. این کامیونها بعد از یک ماه پیدا می شود. علاوه بر این، هر از چندگاهی کامیونهای حامل تدارکات، توسط نیروهای مخالف در پاکستان و افغانستان هدف قرار می گیرند و از بین می رود. بطوریکه تدارک رسانی به نیروهای آمریکایی و ناتو در افغانستان با مشکلات جدی مواجه شده است. هر چند آمریکائیها در این مورد حرفی نزده اند و اظهار نظری نکرده اند، ولی اگر بتوانند با ایران مذاکره کنند، قطعاً استفاده از ایران برای تدارک رسانی را مطرح می کنند.

۲- خیزش های اسلامی و دموکراسی خواهی در خاور میانه: همانطور که گفته شد. کشور اسرائیل یک کشور بسیار کوچک است. مقاومت اسلامی در لبنان کاملاً تثبیت شده است. در میان کشورهای عربی لبنان تنها کشوری است که بر اساس دموکراسی اداره می شود. باریکه غزه هم حکومتی انتخابی دارد. این امر باعث شده تا این منطقه هم مستحکم و تثبیت شود. با پیروزی ارتش سوریه بر مخالفان خود، و انجام انتخابات آزاد در سوریه باعث استحکام سیاسی و اجتماعی این کشور می شود. اوضاع داخلی مصر ملتهد است. پیروزی دموکراسی اسلامی در مصر هم طولانی نخواهد بود. اوضاع کشور اردن هم مانند: وضعیت آتش زیر خاکستر است. اگر کشورهای همسایه اسرائیل بتوانند یک دموکراسی بر کشور خود حاکم کنند. البته مبانی این دموکراسی اسلامی یا غیر اسلامی باشد فرقی نمی کند. در ضمن اگر این حکومت ها هیچ تمایلی به جنگ با اسرائیل هم نداشته باشند. باز هم ، صهیونیست ها از ترس، خانه هایشان را ترک و به کشورهای اصلی خود باز می گردند. به عبارت دیگر، وعده خداوند در آیه ۴- ۱ سوره حشر از قرآن کریم محقق می شود. خداوند در آنجا می فرماید صهیونیست ها، خانه هایشان را با دست خود خراب و از کنار مسلمانان خواهند رفت.

- ۳- آمریکائیه‌ها از سال ۲۰۰۱ وضعیت توضیح داده شده در بند (۲) در مورد اسرائیل را پیش بینی می‌کردند. آنها طرح خاور میانه بزرگ را برای جلو گیری از چنین اتفاقاتی به مورد اجرا گذاشتند. ولی تا کنون اقدامات آمریکا و اسرائیل هیچ پیروزی نداشته است. اسرائیل در جنگ ۳۳ روزه، ۲۲ روزه و ۸ روزه شکست سختی از مقاومت خورد. ارسال تروریست از همه کشورها به سوریه برای ساقط کردن دولت سوریه هم شکست خورد.
- ۴- آمریکائیه‌ها می‌خواستند در سوریه دخالت نظامی داشته باشند ولی به دلایل نتایجی که از دخالت خود در سایر کشورها دیدند، از دخالت نظامی صرف نظر کردند. کنار کشیدن آمریکائیه‌ها از این مهلکه، روشن شد که آمریکا توان تغییر اوضاع منطقه به نفع اسرائیل را نخواهد داشت. لذا آمریکائیه‌ها بدنبال مذاکره با ایران برای از بین بردن تبعات منفی آن هستند.
- ۵- آمریکائیه‌ها در مصر، بصورت کنترل شده به اخوان المسلمین اجازه حکومت دادند و بعد از گذشت یکسال آن حکومت مردمی را بر کنار و دوباره نظامیان را حاکم کردند. این موضوع خشم مردم مصر از آمریکا را افزایش داده است. اقدام آمریکائیه‌ها دقیقا مانند کاری است که آمریکائیه‌ها بر علیه ملت ایران در دوران دکتر مصدق انجام دادند، این امر تبعات منفی بسیار سنگینی بر آمریکائیه‌ها در آینده خواهد داشت. برای کاهش این تبعات منفی، آمریکائیه‌ها مجبورند با ایران مذاکراتی داشته باشند.
- ۶- آمریکائیه‌ها در کشور سومالی دخالت نظامی داشتند. بعد از دخالت نظامی این کشور به یک کانون بحران تبدیل شده است. بطوریکه این بحران ممکن است کشورهای یمن و عربستان را هم در بر بگیرد. علاوه بر این دزدی‌ها دریایی موجب نا امنی حساس ترین راه تجاری دریایی سرخ شده است.
- ۷- آمریکائیه‌ها در لیبی هم دخالت نظامی کردند. وضع این کشور بگونه‌ای است که نخست وزیر لیبی هم امنیت جانی ندارد. مردان مسلح ایشان را برای چند شبانه روز با خود می‌برند. لذا آمریکائی‌ها می‌دانند که دخالت نظامی آنها کار را بهتر نخواهد کرد. در ضمن آمریکائیه‌ها در کشور عراق و افغانستان هم دخالت کردند. ولی مذاکره آمریکائیه‌ها با ایران در مورد افغانستان و عراق باعث شد این کشورها به سومالی و لیبی دیگری تبدیل نشوند. هرچند در این کشورها هنوز امنیت کاملی بر قرار نشده است. ولی آمریکائیه‌ها انتظار دارند با مذاکره با ایران امنیت بیشتری در عراق و افغانستان حاکم کنند.
- ۸- آمریکائیه‌ها وقتی تحریم‌هایی بر علیه ایران اعمال کردند، برای اجرای قوانین خود، اداراتی تأسیس کردند. تا بر اجرای تحریم‌ها نظارت کنند. ولی در حال حاضر آمریکائیه‌ها نمی‌توانند هزینه‌های ادارات خود را بپردازند. لذا آنها مجبورند ادارات خود را منحل کنند. انحلال این ادارات به معنی از بین رفتن تحریم‌ها بر علیه ایران است. بر این اساس آمریکائیه‌ها می‌خواهند با مذاکره این موضوع را حل و ادارات خود را منحل کنند که تبعات منفی آن کمتر باشد.
- ۹- کاهش وابستگی آمریکا و اروپا به نفت حوزه خلیج فارس. غربی‌ها با انجام پروژه‌های مختلفی، موفق شده‌اند، منابع تأمین انرژی غیر نفتی را اقتصادی کنند. اگر کشورهای آمریکا و اروپایی بتوانند بیش از ۶۰ انرژی مورد نیاز خود را از منابع غیر نفتی تأمین کنند، آنگاه نیازی به پرداخت هزینه برای نگهداری

حکومت های عربی نخواهند داشت. در اینصورت آمریکائیهها نیروهای نظامی خود را از خلیج فارس بیرون می برند. برای بیرون بردن نیروهای نظامی خود نیاز دارند با ایران مذاکره کنند

۱۰- مبارزه با تروریسم. پایگاه اصلی تفکر وهابیت کشور عربستان سعودی است. تفکر وهابیت، عامل اصلی تولید و تکثیر تروریست است. انفجارهای تروریستی در کشورهای افغانستان، پاکستان، عراق، سوریه، نا آرمی های لیبی و سومالی از تفکر وهابیت نشأت گرفته است. همانطور که قبلاً توضیح داده شد. وهابیت تفکری است که به پیروان خود یاد می دهد، تا در دنیا برای پیدا کردن شرک و مشرک بگردند. و هر جا شرک و مشرک پیدا کردند، با اقدامات تروریستی آن را از بین ببرند، هر چند در حال حاضر این تروریست ها در کشورهای اسلامی مشغول هستند، ولی تا کنون آمریکا را بی نصیب نگذاشته است. حادثه ۱۱ سپتامبر در شهر نیویورک و انفجار ۱۵ آوریل ۲۰۱۳ در شهر بوستون، هزینه ای است که آمریکائیهها از دوستی با تفکر وهابیت پرداخت کرده اند. اگر با این طرز تفکر برخورد جدی نشود، خطر بزرگی کشورهای جهانی را تهدید می کند. برای مقابله با این تروریست ها آمریکا نیاز دارد با ایران مذاکره کند.

از این نوع حوادث زیاد می توان بر شمرد که آمریکائیهها درخواست مذاکره با ایران را داشته باشند. البته شاید آمریکائیهها بتوانند این مشکلات را خود رأساً حل و فصل کنند و نیازی به مذاکره نداشته باشند. در آن صورت مذاکرات رسمی و غیررسمی که در حالت اول گفته شد می تواند تحریم ها را سبک تر کند.

از حوادث فوق یک بحران را می توان پیش بینی کرد. در حال حاضر تمامی کشورها بجز کشورهای خاور میانه عربی، توانسته اند حکومت های دیکتاتوری را سرنگون و نوعی دموکراسی را در کشور خود حاکم کنند. مهمترین مانع استقرار دموکراسی در کشورهای خاورمیانه عربی عبارتند از: حضور کشور اسرائیل، نفت منطقه خلیج فارس و تفکر وهابیت. مسائل دیگری هم دخیل هست. ولی این سه عامل اصلی هستند. وقتی تمام نقاط دنیا دموکراسی حاکم شده، نمی توان یک ملل منطقه ای را مستثنی کرد. دیر یا زود ملل ساکن در کشورهای خاور میانه عربی هم بدنبال دموکراسی خواهند رفت. پیش بینی آمریکائیهها این است که تا سال ۲۰۱۸ دموکراسی در کشورهای خاورمیانه عربی هم حاکم می شود. با توجه به موانع یاد شده، استقرار دموکراسی در این کشورها کم هزینه نخواهد بود. بنظر می رسد در آینده نزدیک، شاهد جنگهای خونینی در منطقه باشیم.

اقتصادی شدن، تولید انرژی های غیر نفتی در کشورهای غربی، مهر پایان را بر پیشانی حکومت ها دیکتاتوری منطقه خواهد زد. در آن صورت آمریکائیهها تدابیر جدیدی خواهند اندیشید. آمریکائیهها در آینده شاید یکی از گزینه های زیر را انتخاب کنند.

۱- ممکن است آمریکائیهها حضور خود در خلیج فارس و خاور میانه را کم کنند. به عبارت دیگر خود را از مهلکه دور کنند. چون دور بودن از مهلکه می تواند آنها را از حوادث مصون بدارد. آنها دور از مهلکه

می‌نشینند، و حوادث را نظاره می‌کنند. در انتها، هر کسی از این مهلکه پیروز بیرون بیاید، با یک کشور مخروبه مواجه است. برای رفع خرابی و توسعه کشورش، مجبور است با آمریکا و کشورهای غربی کنار بیاید و با آنها کار کنند.

۲- تفکر وهابیت، همان تفکر خوارج صدر اسلام است. همانطوری که تفکر خوارج حدود ۳۰۰ سال برای حکومت‌ها مزاحمت ایجاد کرد و بحران آفرید، ممکن است این تفکر هم گریبان همه حکومت‌های جهانی را بگیرد. کشور ایران برای رهایی از بحران این تفکر باید، اقداماتی که در برخورد با کشورهای اسلامی نوشتیم را انجام دهد، در آن صورت مزاحمت این تفکر برای کشور ایران حداقل می‌شود. ولی این تفکر ناسازگاری شدیدی برای کشورهای غربی، بویژه آمریکا ایجاد خواهد کرد، که در آن صورت آمریکا مجبور است یک اتحاد بین‌المللی برای ریشه‌کنی این تفکر ایجاد کند.

۳- ایجاد حکومت‌های دموکراسی در منطقه خاور میانه عربی تهدید جدی برای موجودیت اسرائیل بشمار می‌رود. همانطور که نوشتیم اگر در کشورهای همسایه اسرائیل دموکراسی حاکم شود، در آن صورت موجودیت اسرائیل با مشکل مواجه می‌شود. راستی آمریکائیها برای نجات اسرائیل چه کار خواهند کرد؟ دخالت نظامی که هیچ نتیجه‌ای برای آمریکائیها نداشته است. دخالت نظامی نه تنها عمر رژیم اسرائیل را کوتاه خواهد کرد بلکه موجب رشد تفکر وهابیت می‌شود. اگر تفکر وهابیت، آمریکا را مجسمه‌شک و مشرک قلمداد کند، منافع آمریکائیها در تمام دنیا به مخاطره می‌افتد.

۴- ممکن است آمریکائیها هم اکنون رژیم آل سعود را تحت فشار قرار دهند تا آنها رأساً تفکر وهابیت را از بین ببرند. قطعاً این کار می‌تواند بحرانهای آینده را کنترل کند. در این صورت آمریکائیها باید شیوه‌ای برای ادامه حکومت آل سعود پیدا کنند. شاید این راه حل برای آمریکائیها هزینه کمتری داشته باشد. ولی آیا آمریکا می‌تواند این کار را انجام دهد؟ اگر می‌تواند چرا تاکنون این کار را نکرده است؟ چرا با اینکه می‌دانست حوادث ۱۱ سپتامبر و حوادث بوستون ناشی از تفکر وهابیت است، هیچ اقدامی بر علیه این گروه نکرد؟

### سایر اقدامات در کنار مذاکره

از آنجایی که موضوع این کتاب مذاکره با کشور آمریکا برای رفع تحریم‌ها و خروج از انزوای اقتصادی است سعی شد تا به مسائل داخلی کمتر پرداخته شود. ولی نباید تأکید بر انجام مذاکره باعث شود تا از مسائل و مشکلات داخلی غفلت شود. همانطور که جناب آقای دکتر پسران، (اقتصاد دان ایرانی برنده جایزه نوبل اقتصاد) گفته: ۷۵

درصد مشکلات اقتصادی ایران منشأ داخلی دارد. اگر وضعیت مدیریت اقتصادی کشور اصلاح شود، مشکلات کشور حل و فصل می شود

با نظر دکتر پسران موافقم، نه تنها موافقم، بلکه معتقدم اگر مشکلات داخلی اقتصاد حل و فصل شود، تحریم ها بی اثر می شود. بطوریکه برای تحریم کنندگان بجز هزینه اضافی پیامد دیگری نخواهد داشت. همانطور که اشاره کردم، تحریم کنندگان، این اقدامات را برای براندازی انجام دادند. وقتی به هدف خود نرسند مجبورند، از کار خود دست بردارند. آنها بخوبی می دانند، تحریم هم زمانی مؤثر است که کشور با مشکلات داخلی روبرو باشد. تحریم می تواند مشکلات داخلی را تشدید کند. آنها هم تحریم ها را وضع کردند تا مشکلات تشدید و براندازی حکومت آسانتر شود.

پیش بینی ام این است، اگر مسئولین کشور بتوانند مشکلات اقتصادی داخل کشور را کاهش دهند، تحریم کنندگان برای مذاکره و برداشتن تحریم ها از یکدیگر گوی سبقت را می ربایند. ولی سؤال اصلی این است که چگونه می توان مشکلات داخلی را حل و فصل نمود؟ راه حل های زیر می تواند به حل مشکلات کمک کند.

۱- جدا سازی بین اقتصاد داخلی و اقتصاد مناطق آزاد تجاری. سعی شود، روابط مناطق آزاد تجاری با خارج از کشور تقویت شود. بطوریکه آنها بتوانند کلیه صادرات و واردات را بصورت رسمی و غیر رسمی انجام دهند. ولی ارتباط مناطق آزاد تجاری با داخل کشور بصورت کنترل شده و تحت شرایط خاصی انجام گیرد. کالاها بصورت قانونی و با پرداخت کلیه حقوق قانونی از مناطق آزاد تجاری به مناطق داخلی کشور وارد شود. از این طریق می توان تولید کنندگان داخل را تقویت کرد. بطوریکه تولید کنندگان داخلی از تحریم های خارجی صدمه نبینند. اجرای سیاست اقتصاد مقاومتی در داخل کشور به معنی حفظ تولید کنندگان داخلی از اثرات تحریمی است. رفع انزوای اقتصادی تا زمانی که قوانین تحریم های بین المللی لغو نشده از طریق مناطق آزاد تجاری پیگیری شود.

۲- جدی گرفتن صندوق توسعه ملی: صندوق توسعه ملی باید جدی گرفته شود. کلیه ارزهای دریافتی از طریق فروش نفت وارد این صندوق شود. این صندوق مبالغ خود را بصورت وام برای سرمایه گذاری فعالیت های اقتصادی در اختیار بخش خصوصی قرار دهد. بطوریکه، برای اولین بار پول های خارجی بصورت وام در اختیار کارخانجات و فعالان بخش خصوصی برای توسعه فعالیت های اقتصادی و افزایش اشتغال قرار گیرد. باز پرداخت وام بصورت ۵۰ درصد ریالی و ۵۰ درصد ارزی باشد. دولت تنها، مجاز به هزینه کردن مبالغ ریالی صندوق توسعه ملی باشد. اعطای وام به بخش خصوصی می تواند فعالیت های اقتصادی کشور را رونق دهد.

۳- شفافیت در پرداخت مالیات و درآمد: تجربه همه کشور ها نشان می دهد که آنها ابتدا توانسته اند کلیه مبادلات پولی را بصورت الکترونیکی انجام دهند. یعنی قدم اول توسعه بانکداری الکترونیکی است. وقتی کلیه پرداخت ها الکترونیکی شد، تشخیص درآمد اشخاص آسان خواهد بود. برای همین منظور

دولت به تمامی کسانی که مبادلات پولی بالایی در بانکها دارند، تعرفه مالیاتی صادر می کنند تا خود آنها کلیه درآمد و هزینه های خود را ثبت کنند. بعد از آن می توان به راحتی مالیات بر درآمد اشخاص را تشخیص و دریافت کرد. فرار مالیاتی هم امکان ندارد. چون هر فرد مکلف است، برای کلیه دریافتی ها و پرداختی هایش دلیل قانع کننده ای داشته باشد و درآمد خالص خود را بصورت شفاف اعلام کند.

۴- هدفمند شدن یارانه ها: برای تشخیص کسانی که در دهک های درآمدی بالا قرار دارند، حسابهای الکترونیکی بانکی می تواند، مبنای عمل قرار گیرد. کسانی که مبادلات پولی بالایی دارند و درآمد آنها از یک حدی بالاتر است، یارانه اش حذف می شود. کم درآمدها هم مشخص می شود. به کم درآمدها یارانه پرداخت می شود. عده ای هم هیچ گونه مبادله پولی و حسابی ندارند. این افراد هم باید هویتشان توسط نهادهای خیریه اثبات شود. آیا زنده هستند و حضور دارند یا اینکه اصلاً چنین فردی وجود ندارد.

۵- مبارزه با پولشویی و جرائم سازمان یافته: با کاهش پول های کاغذی و سکه در دست مردم و افزایش گردش مبادلات پول الکترونیکی می توان درآمدهای حاصل از جرائم را بصورت شفاف شناسایی کرد.

### جمع بندی و پیشنهادات

هر چند در ۳۴ سال گذشته روابط ایران و آمریکا قطع بوده است که عمده ترین دلیل آن دخالت آمریکائی جهت براندازی حکومت های انتخابی در ایران بوده است. ولی هم اکنون هیئت حاکمه آمریکائی توان و اجرای این سیاست ها را ندارند. در نتیجه روش مذاکره با کشور آمریکا و افزایش ارتباط با سایر کشورها می تواند در دستور کار قرار گیرد. عمده ترین هدف از مذاکرات هم باید رفع انزوای اقتصادی کشور ایران باشد.

برای رفع انزوای اقتصادی ابتدا لغو تحریم های سازمان ملل باید در دستور کار قرار گیرد. برای این کار، مذاکره با ۵+۱ در دستور کار قرار می گیرد. این مذاکرات باید بصورت غیر محرمانه انجام گیرد. چون در مذاکرات ۵+۱ کشورهای مختلفی قرار دارد که متن مذاکرات به دست گروه ایپک و سران اسرائیل می رسانند. وقتی متنی به دست دشمنان برسد، محرمانه بودنش، توهین به ملت ایران است. مذاکرات باید بصورت آشکار و در جهت رفع تناقضات حقوقی قطعنامه ۱۶۹۶ و ۱۷۳۴ شورای امنیت سازمان ملل انجام گیرد. برای این منظور باید مدت زمان تعلیق، چارچوب تعلیق و اقدامات ملموسی که برای اعتماد سازی می خواهند انجام گیرد، مشخص شود. این مطالب بصورت تفاهم نامه ای با این گروه تنظیم، سپس این تفاهم نامه بصورت قطعنامه ای جدید در

شورای امنیت تصویب شود. با تصویب قطعنامه جدید، قطعنامه های قبلی لغو می شود. با اجرای قطعنامه جدید کلیه تحریم های سازمان ملل خود بخود برداشته می شود.

در کنار اقدامات فوق برای خروج از انزوای اقتصادی روابط با کلیه کشورها باید گسترش یابد. گسترش روابط علمی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی باید در دستور کار قرار گیرد. برای این کار سفارت خانه ها باید فعالتر شوند. آنها باید گسترش توریسم به ایران را در دستور کار خود قرار دهند. در ضمن تسهیل روابط پولی و کالایی را نیز به خوبی انجام دهند. ایجاد بانکهای مشترک با کشورهای طرف معامله تجاری، ایجاد شعبات بانکهای خارجی در ایران و ایجاد شعبه بانکهای ایرانی در خارج از کشور می تواند به خروج کشور از انزوای اقتصادی کمک کند.

مذاکره با آمریکا هم باید در دستور کار قرار گیرد. در حال حاضر آمریکا و هم پیمانان او بحرانهای زیادی برای منطقه تولید کرده اند. این بحرانها بگونه ای است که کشور آمریکا نمی تواند خودش را از آن کنار بکشد. تقویت تفکر وهابیت، تولید و تکثیر تروریست ها، توسط تفکر وهابیت و کاشتن کشور اسرائیل مسائلی است که آمریکائیه نمی تواند به تنهایی آنها حل و فصل کنند. لذا ممکن است آنها برای این موارد نیاز به مذاکره داشته باشند. ممکن است آمریکائیهها برای خروج از این بحرانها از ایران کمک بخواهند که در آن صورت رفع تحریم ها می تواند از طرف مذاکره کنندگان ایرانی مطرح شود. در غیر اینصورت خود مذاکره برای نشان دادن غیر قانونی بودن تحریم ها می تواند حرکتی به سمت لغو تحریم ها باشد.

## پایان